

حیات عارفانه فرزنانگان

نام نویسنده: حسن صدری مازندرانی

این کتاب توسط مؤسسه فرهنگی - اسلامی شبکه الامامین الحسنین علیهم السلام بصورت الکترونیکی برای مخاطبین گرامی منتشر شده است.

لازم به ذکر است تصحیح اشتباهات تاییبی احتمالی، روی این کتاب انجام نگردیده است.

آن گاه که در بهشت عبودیت قدم می نهیم و رابطه ی خالصانه عابد و معبود را نظاره گر می شویم عطر آن فضای معنوی آن چنان به روح و جانمان طراوت می بخشد که گویی ما را نیز تشنه آن رابطه و بر آن می دارد که با مردان مهذب و خود ساخته و رمز و راز تهجد و شب زنده داری آنان در مسیر کمال و اقامه نماز آشنا شویم، به خصوص این امر برای نسل جوان امروز بسیار سازنده و مفید است، چون اینان، سن و سال جوانی را سپری می کنند و (الگویابی) در وجودشان موج می زند و شناسائی علما ربانی که الگوهای موفق در امور معنوی و عبادی هستند نه تنها انسان را از سقوط معنوی نجات می دهند بلکه نماز را از وادی غربت رها می سازد.

به عنوان مثال: درخت محکمی را در نظر بگیرید که سر به فلک کشیده است فرض کنید این درخت، عالم ربانی و فقیه صمدانی است که محکم و استوار در جای خود قرار گرفته و به سوی بالا می رود، سپس بوته گل نیلوفری را در نظر تصور کنید که در پای آن چنار روئیده شده و با تکیه و پیچیده شدن در تنه آن درخت چنار، بالا رفته، و گلهای خود را با کمال نشاط می دهد این همان انسان و علما و فرزندانگ است که با تکیه به آنها، گلهای وجودشان را نشان می دهند. سپس بوته گیاهی دیگر را در نظر بگیرید که زمین گیر شده و در کنار آن درخت در قاذورات زمین فرو رفته و هیچ گونه رشدی ندارد، برگ و شاخه اش توسط بادهای مختلف به هر سو حرکت می کند، خود را از آن چنار استوار، جدا نموده است. این بوته همان انسانهای هستند که خودشان را از علما و فرزندانگان و معنویات و عبادات آنها جدا نمودند و در خطر سقوط و هلاکت می باشند.

از این رو تصمیم گرفتم حیات عارفانه فرزندگان علما و دانشمندان و چهره های برجسته ی اسلامی و بعضا ناشناخته را به رشته ی تحریر درآورم. حیات عارفانه، شرح حیات معنوی و الهی و عبادی بزرگانی است که بسیاری از آنان از روستاها و از گمنامی، به اوج بندگی و عبودیت و پارسایی رسیدند که شایسته است به عنوان الگو و سرمشق در زندگی معنویمان از آنان پیروی کنیم باشد که با این کار بتوانیم نماز را از غربت نجات دهیم و خودمان در قیامت گرفتار غربت نشویم.

بهار سال 1382

حسن صدری مازندرانی

1- حضور قلب در نماز چگونه؟ (آیت الله بهاء الدینی)

آیت الله بهاء الدینی درباره حضور قلب و توجه در نماز فرمود:
باید ان شاء الله، با اطاعت خدا کم کم جهات ایمانی برای شما روشن شود.
یعنی وجدان کنید که خدایی هست، نه این که فقط بشنوید.
شنیدن تنها چندان فایده ای ندارد، و این که آدم مطالب را بفهمد، غیر شنیدن
است⁽¹⁾.

2- نماز لذت است حضرت آیت الله العظمی بهجت

حضرت آیت الله العظمی بهجت می گفتند: این جمله حضرت رسول ﷺ که
می فرمایند از دنیای شما سه چیز را دوست دارم: (زن)، (عطر) و (نماز) این
بیان می رساند که نماز نیز لذت دارد. همانند لذتی که در ازدواج نساء وجود
دارد، حتی بالاتر⁽²⁾.

3- گریه های سید احمد کربلایی از (زبان علامه قاضی)

علی آقا قاضی نقل می کند:

شبی به مسجد سهله رفته بودم به قصد این که شب را در آن جا بگذرانم.
نیمه های شب شخصی داخل مسجد شد و در مقام ابراهیم قرار گرفت و پس از
انجام وظیفه صبح به سجده رفت و تا طلوع خورشید سر از سجده برنداشت و
آن سجده را با سوز و گداز در گریه و زاری و مناجات گذراند. نزدیک رفتم
بینم او کیست. دیدم استادم آقا سید احمد کربلایی (رض) است. که از شدت
گریه خاک سجده گاهش گل شده است. چون صبح شد به حجره اش رفت و
مشغول درس و بحث شد، چنان می خندید که صدای او به بیرون مسجد می
رسید⁽³⁾.

4- از نماز لذت می برم (پیر مرد نود ساله)

آقا (حضرت آیت الله العظمی بهجت) می فرمود: عالم پیر مردی که حدود نود سال سن داشت می گفت من از غذا لذت نمی برم، غذا خوردن مانند این است که کیسه ای را پر کنم ولی از نماز لذت می برم⁽⁴⁾.

5- بسان ائمه (س) نماز می خواند (آیت الله العظمی بهجت)

در سال 1370 آیت الله جوادی آملی در درس تفسیر فرمودند: خیلی اوقات ما به علامه طباطبایی عرض می کردیم: آقا درس اخلاق به فرمایید. ایشان می فرمود: اخلاق گفتنی نیست، عمل کردنی است، اخلاق را باید به کار بست. شما این حضرت آیت الله العظمی آقای بهجت (دامت برکاته العالیه) را ببینید تمام زندگی اش درس اخلاق است، رفت و آمد ایشان، برخوردهایشان همه درس اخلاق است. از سویی مانند دیگر فقها تدریس می کند و از سوی دیگر بسان ائمه عليهم السلام نماز می خواند!⁽⁵⁾

6- بسم الله (شیخ انصاری)

در زمان شیخ انصاری طلبه ای درس را نمی فهمید، توسلی پیدا کرد شب در خواب به او گفتند بگو: (بسم الله الرحمن الرحیم) صبح وقتی به درس شیخ انصاری (رح) رفت درس را خوب فهمید حتی به شیخ اشکال هم می کرد و مانع درس دادن می شد، ناگهان شیخ به او فرمود: بین آقا، آن کسی که در گوش تو (بسم الله) گفته در گوش من (ولالضالین) خوانده است و آن شاگرد دیگر ساکت شد و به عظمت شیخ پی برد⁽⁶⁾.

7- مناجات وقت سحر (یکی از اساتید اخلاق)

به گفته ی یکی از اساتید اخلاق از وظائف حتمی طلاب است که این مستحب پر اهمیت را ارج نهند و انجام دهد و با مناجات وقت سحر و خلوت

با خدای متعال و تفکر در آیات حق، قلب خویش را نورانی و شب ظلمانی را تبدیل به روز روشن کند.

و باید دانست که بدون خواندن نماز شب و سحر خیزی، کسی به جایی نمی رسد گرچه در درس خواندن هم بسیار کوشا و جدی باشد ممکن است عالم و باسواد شود؛ ولی به حال خود و جامعه، سودی نخواهد بخشید⁽⁷⁾.

8- فقط متعهدین (مرحوم ملکی تبریزی)

مرحوم ملکی می گوید: استادم (ملاحسین قلی همدانی) به من فرمود: «فقط متعهدین هستند که به مقاماتی نائل می گردند و غیر آنان به هیچ جایی نخواهند رسید⁽⁸⁾».

9- مناجات با محبوب (آیت الله العظمی بهجت)

آیت الله شیخ جواد کربلایی یکی از مدرسین اخلاق حوزه علمیه می گوید: جناب آیت الله بهجت در جدیت در نماز شب و گریه کردن در نیمه های شب مخصوصا شب های جمعه کوشا بودند. یکی از علماء و مشاهیر به من فرمودند: نیمه شب جمعه ای در مدرسه سید (ره) در نجف اشرف دیدم که آیت الله بهجت با صدای حزین همراه با ناله و گریه، و در حالی که سر به سجده گذاشته بود مکرر به حق اعالی عرضه می داشت.

«معبودا، جز تو چه کسی را دارم که از او درخواست کنم که گرفتاری و رنجوری ام را بر طرف نموده و در امورم نظری بی افکند⁽⁹⁾».

10- اگر نماز نباشد گیوه باشد!

شخصی با گیوه در پا نماز می گذارد دزدی طمع در گیوه ای او کرد! گفت، با گیوه نماز نباشد.

آن شخص مقصود او را دریافت. گفت:

اگر نماز نباشد گیوه باشد!

11- شما بروید من هم می آیم (امام راحل)

چند تن از دوستان نقل کردند که درباره امام راحل (رض) که خیلی مقید به نماز اول وقت بود خواستیم آقا را امتحان کنیم. مثلا سفره غذا را درست اول وقت نماز می انداختیم، یا وقت رفتن به مسافرت را درست اول وقت نماز قرار می دادیم. اما حضرت امام (رض) در این گونه موارد می فرمودند: شما غذایتان را بخورید و من هم نمازم را می خوانم هر چه بماند من می خورم یا در موقع مسافرت می فرمودند: شما بروید من هم می آیم و به شما می رسم! مدت ها از این مسأله گذشت و نه تنها نماز اول وقت حضرت امام ترک نشد بلکه ایشان ما را هم حساس به خواندن نماز اول وقت کردند.⁽¹⁰⁾

12- اشک زیاد در نیمه شب (امام راحل)

سید حسن خمینی نقل می کرد:

در نیمه های شب خاطریم هست که امام سال های آخر به قدری گریه می کرد که دستمال کاغذی افاقه نمی کرد برای پاک کردن اشک شان کنار دست شان حوله بود.⁽¹¹⁾

13- نماز شب امام راحل در مدرسه دارالشفاء

حضرت آیت الله خوانساری نقل می کردند: امام در مدرسه دارالشفاء قم حجره داشتند و شب برای نماز شب آب حوض فیضیه که یخ بسته بود را می شکستند و وضو می گرفتند و نماز شب می خواندند، گویا در و دیوار فیضیه با این سید چهل ساله هم ذکر و هم صدا می شدند.⁽¹²⁾

14- عرض ارادت به سید الشهدا؛ قبل و بعد از هر نماز (امامراحل)

آقای حاج سید احمد بهاء الدینی نقل می کرد:

امام (رض) قبل و بعد از هر نماز جمعا هشت بار عرض ارادت به سید الشهدا می کردند. (13)

15- اول وقت شرعی (امام راحل)

آقای عیسی جعفری نقل می کرد: قبل از ظهر روز رحلت امام، از حال می رفتند و به حال می آمدند و مرتب می پرسیدند ظهر شده؟! نگرانی آقا این بود که می خواستند در اول وقت شرعی نماز بخوانند. (14)

16- هتل بصره و نماز شب (امام خمینی)

روزی که از نجف عازم کویت شدیم از صبح ساعت 4 حرکت کردیم و شاید هم زودتر، درست بعد از اذان صبح و بعد از آن هم گرفتاری ها ساعت 12 شاید بیشتر، سرانجام امام در هتل بصره استراحت کردند. دو ساعت خوابیده بودند که ساعت شان زنگ زد و بیدار شدند و نماز شب خواندند و بعد هم نماز صبح... (15)

17- تحت تاثیر شدید نماز امام راحل

وقتی امام را از قم می بردند برای زندان (در عصر طاغوت) امام با حالتی نماز شب خوانده اند که یکی از همراهی هان - مثل این که سرگرد عصار بود - بعدا به من گفت که ما تحت تاثیر شدید نماز امام واقع شدیم.

18- تعقیبات نماز صبح (آیت الله العظمی بهجت)

یکی از شاگردان حضرت آیت الله العظمی بهجت فرمود: یک بار از حضرت آیت الله بهجت سؤال کردم که آقا! از میان ذکرهای تعقیبات نماز صبح کدام شان بهتر می باشد؟

ایشان فرمودند: تمام شان خوب است. وقتی فکر کردم دیدم واقعا همین طور است هر کدام درمان دردی است. (16)

19- همه چیز تابع نماز (آیت الله العظمی بهجت)

حضرت آیت الله بهجت در نوشته هایش دارد که همه چیز تابع نماز است. هم چنین خود آقا فرمودند: همانند سلمان فارسی نماز خواندن نیاز به مقدمات فراوان دارد و نمی توان به این زودی ها نماز با حالی همچون سلمان خواند. (17)

20- میزان ؛ نماز است (آیت الله العظمی بهجت)

نقل شده: یک بار به حضرت آیت الله العظمی بهجت عرض کردم: آقا! پس از بیست، سی سال طلبگی و درس خواندن هیچ پیشرفتی نکرده ام، نه در علم و نه در عمل. آقا فرمود: مگر خودت را وزن کرده ای؟! بعد فکر کردم و دیدم که چه جمله کاملی است. اگر صد سال عمر کنم همین جمله برایم کافی است. بله، انسان باید کارهایش را بسنجد و میزان، نماز است. (18)

21- انقلاب فکری را ایشان در ما ایجاد کرد (آیت الله العظمی بهجت)

یکی از شاگردان حضرت آیت الله العظمی بهجت که حدود سی سال با ایشان آشنایی دارند و پانزده سال محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی علامه طباطبایی را درک کرده اند؛ گفتند:

شنیدیم که حضرت آیت الله خامنه ای می فرمود:

«بنده حدود بیست سال است با حضرت آیت الله بهجت ارتباط دارم و از ایشان استفاده می کنم و نیز فرموده اند که الان نیز اگر وقت داشتیم، هر دو هفته یک بار به خدمت شان می رسیدم.» (19)

22- نماز بهترین دستور است (آیت الله العظمی بهجت)

حضرت آیت الله العظمی بهجت می فرمودند: معیار اصلی نماز است این نماز بالاترین ذکر است. شیرین ترین ذکر است، برترین چیز است. حال برخی به دنبال ذکرهای ویژه ای می گردند که کسی نشنیده باشد.

یک سال قصد داشتم تابستان به زیارت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام بروم و آن جا اقامت کنم. خدمت علامه طباطبایی رسیدم و گفتم: آقا می خواهم به زیارت بروم. در آنجا چه عملی انجام دهم؟ می خواهیم به برترین مکان برویم آنجا چه کنیم؟ ایشان فرمودند: «الصلاه خیر موضوع» نماز بهترین دستوری است که تشریح شده است ⁽²⁰⁾. آنجا که انسان می خواهد به خدا برسد اینگونه دستور می دهند. ⁽²¹⁾

23- احترام به نماز (رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم)

کسی که پیش از نماز خود را برای نماز آماده نکند، به نماز احترام نکرده است. لذا از بعضی از زنان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که: «آن حضرت با ما صحبت می کرد و ما با او صحبت می کردیم چون وقت نماز حاضر می شد، گویی او ما را نمی شناخت و ما او را نمی شناختیم بس که به خدا و نماز توجه پیدا می کرد.» ⁽²²⁾

24- نجات از آتش (رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم)

حضرت علی علیه السلام از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرد که آن حضرت فرمود: «بنده ای نیست که به اوقات نماز و طلوع غروب خورشید اهمیت بدهد مگر این که من ضامن میشوم برای او راحتی هنگام مرگ، و بر طرف شدن غم و اندوه، و نجات از آتش دوزخ را» ⁽²³⁾

25- بیان‌دیشید (لطیفه)

شخصی از امام جماعتی پرسید که امروز در مسجد مشغول نماز بودم دیدم دزدی می‌خواهد کفش‌های مرا ببرد، من نمازم را قطع کردم و او را مانع شدم، آیا به جهت این گناهی نکرده‌ام؟

امام جماعت گفت کفش‌های تو چه قدر ارزش داشت؟

گفت: تقریباً دو قران.

گفت: عیبی ندارد، نماز تو هم دو پول نمی‌ارزید!

26- سواره و پیاده، نماز نافله می‌خواند (میرزا حبیب‌الله رشتی)

نوشته‌اند: میرزا حبیب‌الله رشتی مدام در عبادت بود. بسیار نماز می‌خواند و بسیار روزه می‌گرفت. حتی در مسافرت نیز از عبادت خود نمی‌کاست. او در تمام ساعات حتی هنگام خروج از منزل برای تدریس، یا زیارت بارگاه معصومین علیهم‌السلام، سواره و پیاده، نماز نافله می‌خواند و تسبیح می‌گفت و قرآن تلاوت می‌کرد و همیشه وضو داشت. ⁽²⁴⁾

27- نمازهای والدین را سه بار اعاده کرد (میرزا حبیب‌الله رشتی)

میرزای رشتی جامع همه فضیلت‌ها بود. از عبادت و زهد تا هوشیاری و بزرگ‌منشی، اما سپاس‌گزاری او در حق پدر و مادرش آموختنی و نشانه‌بaldنگی او در مراحل عالی شکر به درگاه حضرت حق است، او برای ارج نهادن به زحمات شبانه روز والدین خود، نمازهای آنان را سه بار اعاده کرد.

یعنی همه نمازهایی که یک مکلف از تکلیف تا مرگ می‌خواند، او سه بار برای شادی روح آنان خواند.

یک بار به تقلید از مراجع پدر و مادرش و دو بار به اجتهاد خودش و این

مطلب درباره هیچ یک از علمای تاریخ، ذکر نشده است. ⁽²⁵⁾

28- قله بر بلندای عرفان (میرزا حبیب الله رشتی)

شب های نجف، مناجات دلداگان بسیاری را در خاطر دارد.
میرزا حبیب الله رشتی، شب ها به ضیافت نور می رفت؛ از خوف خدا چنان می گریست که در و دیوار خانه محقرش، صدای سوزناک گریه اش را می شنید؛ گریه از فراق یار و بیم صحرای محشر.
او که راه پیمای بلندای قله عرفان بود، انجام مستحبات را از سال های جوانی پیش گرفته و همواره اهمتامی وصف ناپذیر در انجام آن داشت. (26)

29- نورانیت نماز اول وقت (امام محمد باقر علیه السلام)

امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: اولین چیزی که بنده خدا به وسیله آن محاسبه می شود نماز است، اگر قبول درگاه خدا قرار گیرد آن چه غیر از نماز است نیز قبول شود، همانا نماز اگر در وقت خودش بالا برود، بر می گردد پیش صاحبش در خیلی که سفید و نورانی است می گوید مرا حفظ کردی، خدا حفظت کند و اگر در غیر وقتش انجام گرفته شود بر می گردد پیش صاحبش در حالی که سیاه و تاریک است می گوید مرا ضایع کردی خدا ضایعت گرداند. (27)

30- عبرت گیرید! (لطیفه)

در میان عرف مشهور است که پیرمردی می خواست پسرش را تنبیه کند، پسرش گریخت و وارد مسجدی شد، پیرمرد نزدیک در مسجد آمده و سر در درون آن کرده به پسر آواز داد که: ای فلان فلان شده بیا بیرون؛ بیا بیرون و بعد از هفتاد سال پای مرا به مسجد باز مکن!!
برادر و خواهر! اگر چه این شاید به عنوان شوخی باشد ولی از این نوع افراد در جامعه اسلامی فراوان هستند.

31- قبله (طیفه)

معروف است؛ شخصی خواست در خانه ای نماز بخواند، از صاحب خانه پرسید قبله کدام طرف است؟
صاحب خانه در جواب گفت: من هنوز دو سال بیشتر نیست که در این خانه ام کجا می دانم قبله کدام طرف است؟!
بلی! این هم واقعیتی دیگر.

32- رمز خاص برای اقامه نماز شب (مرحوم آقا نجفی قوچانی)

مرحوم آقا نجفی قوچانی (ره) ضمن گزارش ماجراهای دوران طلبگی خود در اصفهان می نویسد:
«... در این حجره تازه که حجره هامان وصل به هم بود از میان طاقچه سوراخ نمودیم و ریسمانی در آن کشیدیم که یک سر ریسمان در حجره ی رفیق بود و یک سر آن در حجره من، وقت خواب، آن سر را رفیق به پا یا دست خود می بست و این سر ریسمان را من به دست خود می بستم که سحر هر کدام زودتر بیدار شویم دیگری را بدون اینکه صدایی بزنیم، به توسط همان ریسمان بیدار کنم که مبادا طلبه ای از صدای ما بیدار شود و راضی نباشد.»⁽²⁸⁾

33- 2/5 بعد از نیمه شب (استاد شهید مطهری)

فرزند استاد شهید مطهری می گوید:
آن شبی که خبر ترور را شنیدیم، همگی تا صبح بیدار بودیم. ساعت 2/5 بعد از نیمه شب بود که زنگ ساعتی که ایشان را مطابق معمول برای نماز شب بیدار می کرد، به صدا درآمد ولی او در قید حیات نبود. او نماز شبش را در میان خون مطهرش، زودتر از موعد نماز شب در تاریکی خیابان خواند.⁽²⁹⁾

34- گریه هنگام نماز شب و تلاوت قرآن (استاد شهید مطهری)

رهبر عزیز انقلاب اسلامی می فرماید:

ایشان استاد مطهری هنگامی که به مشهد می آمدند، گاهی اوقات به منزل ما وارد می شدند. اتاقی که ایشان شب ها می خوابیدند، با یک در فاصله داشت با اتاقی که من می خوابیدم. ایشان همیشه وقت خواب مقید بود به خواندن قرآن. صدای ایشان را شنیدم که در هنگام تهجد و نماز شب خواندن، گریه می کردند. البته نماز شب خوان زیاد داریم؛ اما نماز شب خوانی که در نیمه ی شب با آن حال اشک بریزد و گریه کند، کم داریم...⁽³⁰⁾

35- خدا مرا به واسطه ی همان یک نماز بخشید (شیخ ارده شیره)

حضرت آیت الله العظمی نجفی مرعشی می فرمودند:

در قم شیخی بود معروف به شیخ ارده شیره جهت معروف شدنش به این نام آن بود که او به ارده شیره بسیار علاقه داشت و حتی کتابی در وصف ارده شیره نوشته بود. آدم فقیری بود خانه و منزلی نداشت. در حقیقت تارک دنیا بود. یک شب در زمستان در میان مقبره میرزای قمی در قبرستان شیخان خوابید صبح برای نماز بلند شد دید برف زیادی آمده پشت در را گرفته، شیخ هر کاری کرد در باز نشد، ماند در میان مقبره از طرفی وسیله وضو حتی وسیله ی تیمم هم نبود چون مقبره باگچ و سیمان و سایر مصالح ساختمانی پوشیده شده بود نزدیک طلوع آفتاب شد دید نمازش قضا می شود با همان حال بدون وضو و تیمم صحیح نماز را خواند بعد از نماز رو کرد به طرف آسمان و دستها را بلند نموده به شوخی به خداوند عرض کرد: خدایا! تا به حال تو به من هر چه دادی من چیزی نگفتم و قبول کردم گاهی نان و ارده شیره دادی شکر کردم، گاهی هم

نان دادی و اصلا خورش ندادی باز هم قبول کردم خدایا تو هم امروز این یک نماز بی طهارت را از من قبول کن و مرا مواخذه مکن.

ناقل فرمود بعد از وفات شیخ یکی از دوستان صالحش او را در خواب دید پرسید: خداوند با تو چگونه رفتار کرد؟

گفته بود: خدا مرا به واسطه ی همان یک نماز بخشید⁽³¹⁾.

36- وضوی حضرت امام (رض)

مقام معظم رهبری فرمودند: من دو مرتبه وضو گرفتن امام عزیز را دیده ام. درست مثل وضوی پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) که در اخبار بیانیه ذکر شده است، فقط برای هر یک از صورت و دستها به یک مشت آب اکتفا می کردند و با یک مرتبه شستن وضو می گرفتند.⁽³²⁾

37- آرزوی حضرت مریم (س) بعد از مرگ

پس از آن که حضرت مریم (س) از دنیا رفت حضرت مسیح (ع) جنازه مادرش را پس از تطهیر به خاک سپرد. پس روح مادر را در خواب دید. مسیح پرسید: مادر! آیا هیچ آرزویی داری؟

مریم (س) پاسخ داد: آری، آرزویم این است که در دنیا بودم و شبهای سرد زمستانی به مناجات و عبادت در درگاه خدا به بامداد می رساندم، و روزهای گرم تابستانی را روزه می گرفتم.⁽³³⁾

38- هر کجا وقت نماز رسید (امام راحل)

یکی از علما به آیت الله میرزا آقا جواد تهرانی (1368 هجری شمسی) نقل کرد که در دوران تحصیل در حوزه علمیه قم گاهی بعضی از دوستان حاج آقا روح الله (رض) به ایشان اصرار ورزیدند که یک روز تعطیلی برای گردش به خارج از شهر بروند که استراحتی بنماید. ولی آقا قبول نمی نمودند و گاهی که

اصرار به حد بالایی می رسید با دو شرط قبول می نمودند که بیایند: اول: این که هر کجا وقت نماز رسید ولو در جای نامناسب نماز را اول وقت بخوانند: دوم: این که، از احدی سخنی که بوی غیبت از آن استشمام شود شنیده نشود. (34)

39- وقت سحر به حال توجه (آیت الله حسن زاده آملی)

حضرت آیت الله حسن زاده آملی در کتاب «انسان در عرف عرفان» در فصل سوم، تمثلات و القاءات سبوحی در واقعه 21 می فرماید:

شبی وقت سحر در تاریکی به حال توجه نشسته بودم، ناگهان دیدم که دو چشمم به اندازه ای نور می دهند که کتابی را در دست داشتیم به خوبی با آن نور می خواندم. ولکن زمان آن کم و کوتاه بود (35).

40- نماز جماعت با امام عصر (عج) (عارف میرزا جواد آقا ملکی)

در کتاب گنجینه ی دانشمندان یکی از شاگردان خاص میرزا جواد ملکی تبریزی می گوید:

«شبی در شاهرود خواب دیدم که در صحرائی صاحب الامر (عج) با جماعتی تشریف داشتند و گویا به نماز جماعت ایستادند. نزدیک رفتم که جمال مبارکش را زیارت کنم و دست شریفش را ببوسم؛ شیخ بزرگواری را دیدم که در کنار آن حضرت، و آثار بزرگواری و وقار از سیمایش پیدا بود. هنگامی که بیدار شدم درباره ی آن شیخ فکر کردم و در اندیشه ی این معنا رفتم که او کیست که تا این اندازه به امام عصر (عج) مربوط و نزدیک است.

برای یافتن به مشهد مشرف شدم، وی را ندیدم. در تهران آمدم، به او برخورد نکردم. به قم مسافرت کردم و در مدرسه ی فیضیه او را در یکی از حجره ها مشغول تدریس دیدم. پرسیدم این آقا کیست؟ گفتند: آقای حاج میرزا جواد آقا

ملکی است. خدمتش رسیدم، از من تفقد زیادی کرد و فرمود: کی آمدی؟ گویا مرا دیده و شناخته و از قضیه آگاهند.

از آن پس، ملازمتش را اختیار کرده و او را چنان یافتم که دیده بودم و می خواستم⁽³⁶⁾.»

41- رنجش حوریه (حضرت علامه طباطبایی)

علامه طباطبایی (ره) در کتاب (مهرتابان) درباره ی یکی از حالات روحانی اش می فرماید:

«روزی من در مسجد کوفه نشسته و مشغول ذکر بودم، در آن بین یک حوریه ی بهشتی از طرف راست من آمد و یک جام شراب بهشتی در دست داشت ؛ و برای من آورده بود، و خود را به من ارائه می نمود، همین که خواستم به او توجهی کنم، ناگهان یاد حرف استاد مرحوم قاضی افتادم و لذا چشم پوشیده و توجهی نکردم، آن حوریه برخاست و از طرف چپ من آمد و آن جام را به من تعارف کرد، من نیز توجهی ننمودم و روی خود را برگرداندم، آن حوریه رنجیده شد و رفت. و من تا به حال هر وقت آن منظره به یادم می افتد از رنجش آن حوریه متأثر می شوم⁽³⁷⁾.»

42- دو رکعت نماز حاجت آیت الله مدنی (رح)

می گویند: آیت الله مدنی چندی پیش از شهادت یعنی بهار سال 60 با دوستانش آیت الله دستغیب، آیت الله صدوقی و حجه الاسلام هاشمی نژاد در مشهد مقدس وقتی ضریع امام علیه السلام را غبار رویی می کردند، هر کدام دو رکعت نماز حاجت خوانده و از خداوند شهادت در راه اسلام را خواسته بودند⁽³⁸⁾.

43- من می خواهم از عبادت هایم توبه کنم (آیت الله مدنی)

آیت الله مدنی مرد عمل بود. و در کارهایش نیز جز خدا را در نظر نمی آورد و می گفت: ارزش عمل به نیت است. اگر نیت برای غیر خدا باشد، به چه دردی می خورد؟ به همین سبب در تمام ابعاد زندگی اش دقیق و حساب شده عمل می کرد، و در نماز و نیایش نیز چنین بود و به اطرافش هیچ توجه نمی کرد و تنها با خدایش می گفت و می گریست.

داماد ایشان آقای بروجردی در ضمن خاطراتش می گوید:

در شب بیست یکم ماه مبارک رمضان یکی از سال ها، شب قدر و احیاء در مسجد شیخ انصاری در نجف اشرف مجلس بسیار عظیم و با شکوهی ترتیب داده بود و علما و فضلا و کاسب ها و اقشار مردم در مسجد گرد آمده بودند شب از نیمه گذشته بود. ایشان بالای منبر رفته همه را موعظه فرمود و دل ها را برای دعا و تضرع آماده ساخت. تا این که چراغ ها را طبق مرسوم خاموش کردند. در آن تاریکی، ایشان جمله ای بیان کردند که مجلس واقعا منقلب شد و همه را سخت متاثر و گریان کرد فرمودند:

رفقا! اگر شماها امشب آمده اید از گناهان تان در پیشگاه خداوند تبارک و تعالی توبه کنید، ولی من خدا را شاهد می گیرم که آمده ام از اعمال و عبادت هایم توبه کنم. زیرا فکر می کردم این اعمالی که انجام داده ام عبادت خداوند بوده است. اما حالا می فهمم که آن ها توهین به ذات مقدس حق تعالی بود. لذا امشب می خواهم از آن ها توبه کنم ⁽³⁹⁾.

44- نجوا با خدا در قنوت نماز (آیت الله مدنی)

آیت الله مدنی در همه حال چشم به درگاه فیض الهی داشت در قنوت نمازهایش با سوز و گداز با خدا به نجوا می ایستاد و از او شهادت در راه اسلام

و انقلاب را طلب می نمود، چون در عالم رویا جام شهادت از مولایش حسین علیه السلام گرفته بود، بی صبرانه در انتظار آن روز بود؛ خود گفت: من در دو موضوع نسبت به خودم شک کردم. یکی این که به من که می گوئید «سید اسدالله» آیا واقعا من از اولاد پیامبر هستم؟ و دیگر که آیا من لیاقت آن را دارم که در راه اسلام شهید بشوم یا نه؟

روزی به حرم امام حسین علیه السلام رفتم و در آن جا با ناله و زاری از امام خواستم که جوابم را بدهد. پس از مدتی یک شب امام حسین علیه السلام را در خواب که بالای سرم آمد و دستی به سرم کشید و این جمله را فرمود: «یا بنی انت مقتول» یعنی ای فرزندم، کشته می شوی که جواب دو سوال من در آن بود؛ اما فرمود: فرزندم! یعنی من سید هستم و دیگر «من بشارت داد که شهید می شوم» و به دین جهت بود که آیت الله مدنی همواره چون پروانه بی قرار در آتش این اشتیاق می سوخت ⁽⁴⁰⁾.

45- خدایا! من آمدم (آیت الله مدنی)

آقای بهاء الدینی (داماد آیت الله مدنی) در خاطراتش می گوید: ما حالات نورانی و با صفای ایشان را در مناجات های نیمه شب شان نظاره گر بودیم. در نیمه شب یک روز تابستانی در محلی نزدیک همدان من دیدم از میان درختان باغ صدای ناله می آید. از رختخواب که بلند شدم دیدم آقا مدنی نیست و رفته در میان درختان گریه می کند و می گوید: خدایا من آمدم اگر تو به من جواب ندهی و رهایم سازی کیست که مرا دریابد ⁽⁴¹⁾.

46- عشق به امام رضا علیه السلام شهید مدنی

شهید آیت الله مدنی می فرماید:

وقتی به مشهد آمدم حاجتی داشتم و آن را به امام رضا علیه السلام عرض کردم تا دوازده روز اثری ندیدم. روز دوازدهم به امام عرض کردم: ای امام! من از افرادی نیستم که زود دست بردارم تا وقتی حاجتم را بر آورده نکنی از خانه ات نمی روم فردای آن روز در مسجد نماز می خواندم پس از نماز مردی که با امام ارتباط قلبی داشت دستش را روی شانه ی من گذاشت و فرمود: سید حاجت بر آورده شد! و همین طور نیز شد و به آن چه می خواستم رسیدم ⁽⁴²⁾.

47- سجاده ی خونین (حضرت آیت الله مدنی)

جمعه روز 20 شهریور 1360 روز دیگری در شهر تبریز بود. و آیت الله مدنی در این روز حال و هوای دیگری در ایراد خطبه ها داشت مردم مشتاقی که از سراسر شهر به سوی مصلاهی نماز جمعه سرازیر شده بودند به نغمه های جان سوز این مرد بزرگ گوش جان می سپردند. خطبه تمام شد و آیت الله مدنی نماز جمعه را هم به پایان و به عادت همیشگی در بین نماز جمعه و عصر به عبادت مشغول شد. در این هنگام از صف سوم نماز، مناققی از نسل خوارج بلند شد و به سوی ایشان هجوم برد پس از لحظه ای کوتاه آیت الله مدنی را که چون کبوتری آزاد در عالم ملکوت اوج گرفته بود، در چنگال کرکس خون آشام قرار داد و سپس صدای انفجاری مهیب محراب عبادت را غرق در خون کرد... امام جمعه، بر سجاده ی خونین غلتید و محاسن سفیدش به خون سرخش خضاب شد و مرغ روح ناآرامش که سال ها در سر هوای پرواز داشت قفس تن را شکست و به ملکوت اعلی پرگشود. و به دین گونه دعایش بر کرسی اجابت نشست. ⁽⁴³⁾

48- دو سال نماز و روزه ی استیجاری (شیخ اعظم انصاری)

در لوء لوء الصدق گوید:

در کتاب مردان علم در میدان عمل به نقل از لواء الصدق می گوید: یکی از علمای بزرگ مولف، حکایت کرد که رفتم نزد شیخ انصاری عرض کردم یکی از سادات که از فضایی حوزه است بسیار مضطر شده و عیال او در حال وضع حمل است کمکی درباره او به فرماید:

شیخ انصاری فرمود: چیزی ندارم به جز مقداری وجه و روزه، خوب است دو سال نماز و روزه به او بدهم. عرض کردم فلانی آقا زاده است اهل نماز و روزه ی استیجاری نیست به علاوه او علاقه به درس خواندن دارد و این کار مانع درس او می شود.

شیخ تاملی نموده فرمود: «پس من دو سال عبادت را خودم به جا می آورم شما پولش را برای او ببرید. این کار را خود به عهده گرفت در حالی که مشاغل زیادی داشت»⁽⁴⁴⁾.

49- نمازها را من خودم می خوانم (سید علی دزفولی)

سید علی دزفولی (که به واسطه ی احتیاط کردنش به او سید محتاط می گفتند) گفت: «در نجف اشرف به جهت فقری که به من آورده بود رفتم نزد شیخ و او را از حالم باخبر کردم. فرمود نزد من چیزی نیست ولی برو نزد فلانی و به او بگو دو سال نماز به تو بدهد و پول آن را برای خودت بگیر نمازها را من خودم می خوانم.»⁽⁴⁵⁾

50- مسجد سهله و اشک روی ریگ ها (شیخ مهدی اصفهانی)

مرحوم شیخ مهدی اصفهانی عارف بزرگ و مراد طریقت می فرمودند: «کمتر ریگی است در بیابان مسجد سهله که اشک من روی آن نریخته باشد.»⁽⁴⁶⁾

51- عروج یک رزمنده

نقل شده که یکی از رزمندگان بسیار کم سن و سال در زمان جنگ شب جمعه ای در دعای شرکت کرد وقتی روضه خوان رسید به این فراز که «الهی و ربی من لی غیرک» سر بر سجده گذاشت و جان به جان آفرین تسلیم کرد.⁽⁴⁷⁾

52- یقین ندارم که در خواب هم گناه نکنم (سؤال از عالمی)

در قدیم طلاب اصلاً پیش نماز نمی شدند و ائمه جماعت اکثرًا مجتهد بودند. از عالمی پرسیدند شما چرا پیش نماز نمی شوید؟

گفت: یقین ندارم که در خواب هم گناه نکنم.⁽⁴⁸⁾

ای خوش آن کسی که عیب خویش دید هر عیبی گفت او بر خود خرید

53- سجده طولانی (مرحوم آیت الله کمپانی)

روزی آیت الله محمد حسین اصفهانی معروف به کمپانی در حرم حضرت امیر المومنین علیه السلام مشغول سجده طولانی بودند که در آن حضرت سید الشهداء را می بینند که به ایشان می فرماید:

«اینجا در حضور جمعیت برای عمل سجده طولانی خوب نیست، این گونه

اعمال را در جای خلوت انجام دهید.»⁽⁴⁹⁾

54- دو رکعت نماز و دعا (آیت الله حسن زاده آملی)

حضرت آیت الله حسن زاده آملی فرمودند: شبی در خواب حالت مکاشفه ای برایم رخ داد و مرا به جایی بردند و گفتند که دو رکعت نماز بخوان و دعا کن، من خواندم و دعا کردم که خدایا علمم را زیاد کن، بعد مرا پیش امام رضا علیه السلام بردند امام به من فرمود:

«بیا زبانم را بمک.» من رفتم و زبان آقا را مکیدم در آن جا یاد آن حدیث

افتادم که امام علی علیه السلام زبان پیامبر را می مکید و فرمود: هزار باب علم برویم

گشوده شد و از آن هزار باب، هزار باب دیگر، بعد امام رضا علیه السلام عملاتی الارض را در عالم خواب به من نشان داد. ⁽⁵⁰⁾

55- دو توصیه از شیخ حسنعلی نخودکی (رض)

این چند جمله هم از پیر طریقت و مراد سالکان شیخ حسنعلی (رض) عرضه به پیران راهش: این که انسان دو سه خواب ببیند، و یا وقت ذکر نوری مشاهده کند، به هیچ وجه مورد نظر حقیر نیست. عمده نظر در دو مطلب است: یکی: غذای حلال. دوم: توجه در نماز و اصلاح آن. ⁽⁵¹⁾

56- جسارت به شیخ جعفر کاشف بعد از نماز

روزی آیت الله حاج شیخ جعفر کاشف (ره) در نماز جماعت، وقتی که در سجاده نماز نشسته بودند سیدی آمد و گفت از جوهاتی که نزد شماست قدری به من کمک کنید، شیخ فرمودند: فعلا چیزی ندارم آن سید عصبانی شد و آب دهانش را به صورت آقا انداخت. شیخ هیچ نفرمود بلند شد و رو به جمعیت کرده و فرمودند: هر کس محاسن شیخ را دوست دارد به این سید کمک کند سپس خودشان در میان صف ها گشتند و پول جمع کردند و اتفاقا پول زیادی جمع شد و همه را به سید دادند. ⁽⁵²⁾

57- نماز ایستاده در هنگام بیماری (آیت الله کوهستانی)

خدمت کار حضرت آیت الله العظمی کوهستانی (ره) نقل کرده: ایامی که آقا جان در بیمارستان گرگان تحت عمل جراحی قرار گرفته بود و از نظر پزشکی نباید از جایش حرکت می کرد و برای حالش مناسب نبود، در همان حال به من فرمود: که او را نگه دارم تا نمازش را ایستاده بخواند و راضی نمی شد که بر روی تخت بخواند. ⁽⁵³⁾

58- تضرع در نیمه شب (آیت الله کوهستانی)

یکی از شاگردان حضرت آیت الله العظمی کوهستانی (ره) می گوید: من در مدرسه فضل (مجاور حسینیه آیت الله کوهستانی) حجره داشتیم. آقا به ما سفارش کرده بود هنگام خواب درب حیاط حسینیه را ببندید. در یکی از شب ها بیدار شدم، نیمه شب بود، رفتم ببینم در بسته است یا خیر؟ زمزمه ای شنیدم و جلوتر رفتم. صدا از اتاق کوچک حسینیه می آمد آهسته خود را به نزدیک اتاق رساندم و از پشت پنجره نگاه کردم، دیدم مرحوم آقا جان در اتاق دیدم قدم می زند و سخت گریه و زاری می کند. مشغول خواندن یکی از دعاهای صحیفه سجادیه بود و گاه سربه سوی آسمان می کرد و با توجه و خشوع «یاالله» را تکرار می نمود گویا که در و دیوار با او مشغول ذکر شده بود. این ماجرا برای من جالب توجه و عجیب بود ⁽⁵⁴⁾.

59- نمازهای طولانی (آیت الله کوهستانی)

حضرت آیت الله نصیری از شاگردان برجسته ی حضرت آیت الله العظمی کوهستانی (ره) می گوید: به محضرشان عرض کردم نماز شما خیلی طول می کشد، در نتیجه بسیاری از مامومین از ثواب جماعت باز می مانند خوب است نمازتان را مختصرتر کرده تا شرکت کنندگان نماز جماعت بیش تر گردند و به پاداش و ثواب جماعت برسند. فرمود: خیلی تفاوت ندارد. در عین حال استاد خواهش مرا پذیرفت و چند روزی نماز را سریع تر به پایان می رساند. تعداد مامومین زیادتر شده بود، ولی طولی نکشید که دیدیم تعداد شرکت کننده به حال اول برگشت. آقا فرمود:

آقا سید تقی دیدی چندان تفاوت ندارد بگذارید من به حال خودم باشم ⁽⁵⁵⁾

60- سه نفر محو جمال خدا در نماز (یکی از شاگردان رجبعلی خیاط)

یکی از شاگردان شیخ رجب علی خیاط که حدود سی سال با او بوده می گوید: خدا شاهد است که من می دیدم در نماز مثل عاشق در مقابل معشوق ایستاده و محو جمال اوست. در عمرم سه نفر را دیدم که در نماز معرکه بودند: «مرحوم آقای شیخ رجب علی خیاط»، «آیت الله کوهستانی»، و «آقا شیخ حبیب الله گلپایگانی» در مشهد. این ها عجیب بودند وقتی به نماز می ایستادند، من با دیده ی الهی می دیدم که فضا کیفیتی دیگر است و آن ها به غیر خدا توجهی ندارند⁽⁵⁶⁾.

61- نماز اول وقت (آیت الله العظمی کوهستانی)

آن گاه که صدای ملکوتی اذان در گوش طنین انداز می شد و وقت نماز می رسید، معظم له کارهای خود را تعطیل می کرد و آماده نماز و حضور در درگاه بی نیاز می گشت. یکی از شاگردان ایشان می گوید: روزی با یکی از طلاب مشغول مباحثه بودیم و آقا در حسینیه مشغول تدریس بود، همین که صدای اذان ظهر را شنید کتاب را بست و فرمود:

«باباجان من دیگر نمی توانم درس بگویم باید بروم نماز⁽⁵⁷⁾»

62- نماز خالصانه (آیت الله کوهستانی)

حضرت آیت الله العظمی کوهستانی (ره) فرمود:

هنگامی که افشار طوس⁽⁵⁸⁾ حرم امام رضا علیه السلام را به توپ بسته بود، من در حرم مشغول نماز بودم هیچ نترسیدم و به آن نماز امیدوارم.

63- اصل ولایت است (آیت الله میرزا آقا ملکی تبریزی)

از آیت الله میرزا جواد آقا ملکی تبریزی (رض) پرسیدند:

شما (شهدان علیا ولی الله) را جزء اذان و اقامه می دانید؟

ایشان فرمودند: ما نماز را جزء می دانیم یعنی اصل، ولایت است (59).

64- سوره ی «ص» در نماز وتر (سفارش علامه به علامه)

علامه حسن زاده آملی از علامه (طباطبایی) طلب موعظه و سفارش کردند. علامه فرمود: سوره مبارکه «ص» را در نمازها «وتیره» بعد از حمد بخوانید در حدیث است که «ص» از ساق عرش نازل شده است.

سپس فرمود: در مسجد سهله در مقام ادريس نماز می خواندم و در نماز وتیره سوره «ص» را قرائت می کردم که ناگهان دیدم از جای خود حرکت کردم ولی بدنم در زمین است به قدری با بدنم فاصله گرفتم که آن را از دورترین نقطه مشاهده می کردم تا پس از چندی نهر آب را دیدم چنان که در روایت آمده است: (ص نهر فی الجنة) (60)

65- نماز شب (مرحوم نخودکی)

نماز شب را مواظبت و مداومت کنید، زیرا که سنت پیامبر شماسست و از تن تان؛ بیماری و درد زائل می سازد (61).

66- ذکر وتر نماز شب (امام جعفر صادق علیه السلام)

در کتاب (من لایحضره الفقیه) از حضرت امام صادق علیه السلام روایت است که: هر کس که در نماز شب خود، آن هنگام که نماز وتر می گذارد، هفتاد مرتبه بگوید:

(استغفرالله و اتوب الیه) و بر این کار مدت یک سال مداومت نماید، خداوند متعال نام او را از جمله (مستغفرین بالاسحار) آیه 16، سوره آل عمران؛ نوشته و مغفرت آمرزش حق تعالی، شامل او می گردد (62).

67- یک نماز صبحم قضا شد. (مرحوم نخودکی)

حضرت علی بن الحسین علیه السلام می فرمایند: اگر آدمی، یک اربعین به ریاضت پردازد، اما یک نماز صبح از او قضا شود، نتیجه آن اربعین، هباء منثورا خواهد گردید. شیخ نخودکی فرمود: بدان که تمام عمر خود، تنها یک روز، نماز صبحم قضا شد. پسر بچه ای داشتم شب آن روز از دست رفت. سحرگاه، مرا گفتند که این رنج فقدان را به علت فوت نماز صبح، مستحق شده ای. اینک اگر شبی، تهجدم ترک گردد، صبح آن شب، انتظار بلایی می کشم ⁽⁶³⁾.

68- سفارش مرحوم نخودکی به فرزندش

اول: آن که نمازهای یومیه خویش را در اول وقت آن ها به جای آوری.
دوم: آن که در انجام حوائج مردم، هر قدر که می توانی، بکوشی و هرگز میندیش که فلان کار بزرگ از من ساخته نیست، زیرا اگر بنده ی خدا در راه حق، گامی بردارد، خداوند نیز او را یاری خواهد فرمود. در این جا عرضه داشتم: پدر جان، گاه هست که سعی در رفع حاجت دیگران، موجب رسوایی آدمی می گردد.

فرمودند: چه بهتر که آبروی انسان در راه خدا بر زمین ریخته شود.
سوم: آن که سادات را بسیار گرامی و محترم شماری و هر چه داری، در راه ایشان صرف و خرج کنی و از فقر و درویشی در این کار پروا می نمایی. اگر تهی دست گشتی، دیگر تو را وظیفه ای نیست.

چهارم: از تهجد و نماز شب غفلت مکن و تقوی و پرهیز پیشه ی خودساز.

پنجم: به آن مقدار تحصیل کن که از قید تقلید و ارهی ⁽⁶⁴⁾.

69- سجاده را به خاطر سیادت شما می پذیرم (مرحوم نخودکی)

در سال 1314 هجری یکی از سادات محترم مشهد برای ایشان (مرحوم نخودکی) سجاده ای و رخت خوابی هدیه فرستاد.

در جواب فرموده بودند: سجاده را به خاطر سیادت شما که رعایت حرمتش را بر خود واجب می دانم می پذیرم ولی به رخت خواب نیازم نیست زیرا که بیست و پنج سال است که پشت و پهلو بر بستر استراحت نهاده ام. آری بندگان خدا این گونه عمل می کردند و این چنین بود حال و رفتارشان ⁽⁶⁵⁾.

70- از یمن دعای شب و ورد سحری بود (مرحوم شیخ حسنعلی نخودکی)

مرحوم حاج شیخ حسنعلی (رض) از دوازده تا پانزده سالگی، تمام سال، شبها را تا صبح بیدار می ماندند و روزها همه روز، به جزء ایام محرمه، با ترک حیوانی روزه می گرفتند و از پانزده سالگی تا پایان عمر پر برکتش، هر ساله سه ماه رجب و شعبان و رمضان و ایام البیض هر سال را صائم و روزه دار بودند و شب ها تا به صبح نمی آرمیدند.

هر گنج سعادت که خدا داد به حافظ از یمن دعای شب و ورد سحری بود ⁽⁶⁶⁾

71- رفع تنگی معیشت دو نفر (مرحوم نخودکی)

دو تن از کسبه ی بازار مشهد برای من تعریف کردند که: از تنگی معیشت سخت در مضیقه بودیم و برای رفع این گرفتاری، به خدمت مرحوم شیخ حسنعلی اصفهانی شرفیاب شدیم. جماعتی در انتظار نوبت بودند و ما هم منتظر نشستیم. اما ناگهان، حضرت شیخ ما دو تن را از میان آن گروه، به نزد خود طلبیدند و به یکی از ما فرمودند:

تو باید کاری بکنی ولی نمی کنی و به دیگری فرمود: تو کاری نباید بکنی، انجام می دهی؛ بروید و به وظیفه خود عمل نمائید تا وضع شما اصلاح شود.

اعتراف می کنیم که یکی از ما نماز نمی گذارد و آن دیگر شراب می نوشید. به توصیه حاج شیخ وظائف خود را مراعات کردیم و در اثر آن، معشیت ما از تنگی به وسعت باز آمد. (67)

72- تهجد و شب زنده داری (حضرت آیت الله طبرسی)

عالمان راستین که وارثان به حق پیامبران علیهم السلام می باشند هیچ گاه از این فضیلت بزرگ شب زنده داری و عبادت شبانه بی بهره نبوده اند. مرحوم حضرت آیت الله طبرسی (رح) بنا بر نقل فرزندان بزرگوار و دوستان و بستگان، به تهجد و نماز شب اهمیت خاصی می داد و غیر از نماز شب به نوافل دیگر نیز اهتمام داشت. ایشان از باب تذکر به طلاب و روحانیون توصیه می کرد که: «از نوافل غفلت نکنید که این مال اهل علم است. عوام فقط به واجب اکتفا می کنند.» (68)

73- تنظیم ساعت از نماز امام (رض)

دقت امام خمینی (ره) به وقت نماز آن قدر چشمگیر بود که پلیس های فرانسه در شهر کوچک «نوفل لوشاتو» از روی رفت و آمد ایشان برای نماز، ساعت شان را میزان می کردند. (69)

74- «قال» یا «حال» (میرزا علی آقا شیرازی)

هر وقت میرزا علی آقا شیرازی به قم می آمد، علمای طراز اول قم با اصرار از او می خواستند که منبر برود و موعظه نماید. منبرش بیش از آنکه «قال» باشد «حال» بود. از امامت جماعت پرهیز داشت.

سالی در ماه مبارک رمضان، با اصرار زیاد او را وادار کردند که این یک ماهه در مدرسه «صدر اصفهان» اقامه نماز جماعت کند. با این که مرتب نمی آمد و قید منظم آمدن سر ساعت معین را تحمل نمی کرد، جمعیت بی سابقه ای برای

نماز جماعت شرکت کردند. وقتی شنید نماز جماعت مساجد اطراف خلوت شد، ایشان هم دیگر ادامه ندادند. (70)

75- بانگ نماز «رسول الله (ص)»

چون در مدینه؛ اسلام قوت گرفت، و پنج نماز به جماعت می کردند و زکات و روزه فرض شد و حکم حلال و حرام پیدا آمد؛ پیامبر ﷺ خواست تا از وقت های نماز، نشانی پیدا کند تا مردم بدان جمع شوند و با صحابه در این باب مشورت کرد.

جمعی گفتند: «بوق زنند.» و بعضی گفتند: «ناقوس زنند.»

پس رسول الله ﷺ فرمود که: «این علامت یهود و نصاری است.» جبرئیل آمد و تعلیم کرد. بعد از آن، به بلال فرمود: تا بانگ نماز به گفت؛ چه آواز او خوش تر بود. (71)

76- پیامبر برای پیرزن نماز میت خواند.

پیرزن فقیر و بینوایی مسجدی را که حضرت محمد ﷺ در آنجا نماز می خواند، جارو می کشید، این پیرزن معمولاً در یکی از گوشه های محوطه مسجد می خوابید و خوراک او را کسانی که برای نماز جماعت می آمدند، تهیه می کردند. روزی پیغمبر ﷺ وارد مسجد شد و زن جاروکش را ندید. پرسید: «کجا رفته است؟»

جواب دادند: «این زن، شب گذشته مرده و او را دفن کرده اند.

تصور نمی کردیم که این ارزش آن را داشته باشد که

خبر مرگش را به شما بدهیم. « پیامبر ﷺ از شنیدن این خبر ناراحت شدند و آنها را توبیخ کردند، ایشان همراه جمعیت آمد و با همه همراهان روی قبر زن ایستاده و برای آمرزش این پیرزن نماز میت خواندند. (72)

77- از نافرمانی خدا شرم دارم

مردی را دیدند که بر در مسجد ایستاده و نماز می خواند، پرسیدند: چرا داخل مسجد نماز نمی خوانی؟
گفت: شرم دارم که داخل خانه ی خدا شوم حال آن که معصیت و نافرمانی او را کرده ام (73).

78- مناجات خمسه عشر در سجده (مرحوم ملامحمد برغانی)

مرحوم ملامحمد برغانی (رض) در حالی که هنگام سحر در محراب عبادت مشغول خواندن مناجات «خمس عشره» در سجده بود به دست فرقه بایبه به شهادت رسید. مکرر دیده می شد که این شهید بزرگوار در فصل زمستان، در حالی که به شدت برف می بارید به پشت بام مسجد می رفت و مشغول تضرع و مناجات می شد و با حالت ایستاده دست ها را به سوی آسمان بلند می کرد، تا این که برف، سراسر قامت مبارکش را سفید پوش می کرد (74).

79- نماز شب از سن تکلیف (علامه مطهری)

در شرح حال علامه مطهری نوشته اند: او همیشه با وضو بود و به این کار توصیه می کرد، نسبت به انجام فرایض فرزندان خود را نظارت دقیق داشت، بعد از نماز مغرب و عشا سجده های طولانی به جا می آورد و از سن تکلیف به بعد، هیچ گاه نماز شبش ترک نشد (75).

80- مسجد سهله (شیخ آقا بزرگ)

علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی (رح) شب چهارشنبه هر هفته، پیاده از نجف به مسجد سهله در 10 کیلومتری نجف می رفت و در آن جا به نماز و دعا و عبادت می پرداخت. این کار وی تامدتی پس از رسیدن به سن 80 سالگی همواره ادامه داشت (76).

81- سر رکوع و سجده تین

بزرگی گوید: رکوع دعوی بندگی است و سجده تین، دوگواه است بر آن (77).

82- نماز شب علامه مطهری از زبان (مقام معظم رهبری)

رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه ای درباره شهید مطهری (رح) فرمود: این مرد نیمه شب تهجد با آه و ناله داشت. یعنی نماز شب می خواند و گریه می کرد به طوری که صدای گریه و مناجات او افراد را از خواب بیدار می کرد... یک شب ایشان منزل ما بودند. البته اول ملتفت نشده بودند صدای کیست، اما بعد فهمیدند که صدای آقای مطهری است. بله ایشان نصف شب نماز شب می خواند همراه با گریه، با صدایی که از آن اتاق می شد آن را شنید (78).

83- راه طولانی، زاد و توشه اندک (ابن قاسم عاملی)

ابن قاسم عاملی نقل می کند که: یکی از علمای صالح هنگامی که ثلثی از شب می گذاشت به همسر خود می گفت: بر خیز تا با هم راه بیماییم، چه آن که کاروان رفت و راه طولانی و زاد و توشه ی ما اندک است. (79)

84- همه مقامات دینی از شب خیزی هاست (ملاحسینقلی همدانی)

عارف ربانی مرحوم ملاحسینقلی همدانی (رض) می فرمود:

کسانی که در مقامات دین به جایی رسیده اند، همه از شب خیزها بوده اند، از غیر آن ها دیده نشده است⁽⁸⁰⁾.

85- سجده های طولانی (علی بن مهزیار)

درباره «علی بن مهزیار» نقل شده است که: چون آفتاب طلوع می کرد به سجده می رفت و سر بر نمی داشت تا برای هزار نفر از برادران خود دعا می کرد مثل آن چه برای خود دعا می کرد و پیشانی او از بسیاری سجده مانند زانوی شتر پینه بسته بود⁽⁸¹⁾.

86- الهی! (علامه حسن زاده)

الهی! از سجده کردن شرمسارم و از سر از سجده برداشتن شرمسارتر⁽⁸²⁾.

87- نماز حضرت آیت الله العظمی اراکی (رح)

مرحوم آیت الله العظمی اراکی (رح) تقید خاصی به اقامه نماز جماعت داشت و با آن که سن زیادی داشت در مدرسه فیضیه قم نماز جماعت را برگزار می کرد، نماز ایشان به قدری طول می کشید که حتی طلاب جوان طاقت نمی آوردند.

وقتی از حضرتش خواسته شد برای رعایت حال مامومین نمازشان را مختصر و در حدی که ضعیف ترین مامومین بر آن طاقت می آورند اقامه کنند، با تواضع خاصی می فرمودند: (من در بین این مردم از خودم ضعیف تر سراغ ندارم که نماز را در حد او مختصر کنم⁽⁸³⁾).

88- علت مد در الله (مرحوم سید محمد باقر شفققی)

حجت الاسلام سید محمد باقر شفققی (رح) وقت گفتن تکبیره الاحرام نماز کلمه مبارکه (الله) را (مد) می داد، شاگردانش از او پرسیدند: در (الله) که جای مد نیست، چرا شما آن را مد می دهید؟

پاسخ داد: زمانی که به جمله مبارکه (الله اکبر) تکلم می کنم از حالت اختیار بیرون می روم و این مد دادن اختیاری نیست⁽⁸⁴⁾.

89- مثل نماز از زبان رسول الله (ص)

مثل نماز مثل خیمه است، اگر ستون خیمه بر پا باشد طناب ها و میخ ها و پوشش خیمه نیز سودمند است و آن گاه که ستون خیمه بشکند میخ و طناب و پوشش خیمه سودی نخواهد داشت.⁽⁸⁵⁾

90- سوره فاتحه (علامه حسن زاده آملی)

حضرت علامه حسن زاده آملی می فرماید: در عالم رویا به این محروم گفتند: هر چه خواهی از سوره (فاتحه) بخواه.⁽⁸⁶⁾

91- هدیه نماز (مرحوم میرزا جواد آقا تهرانی)

آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی (ره) در وصیت نامه شان توصیه فرموده بودند: (که هرکس خواست برای من هدیه ای بفرستد، نماز هدیه کند⁽⁸⁷⁾)

92- وضوی (میرزا جواد آقا تهرانی)

یکی از فرزندان آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی درباره ایشان می گوید: در موقع وضو گرفتن، با آب یک قوری معمولی دوبار و گاهی سه بار وضو می گرفتند و از اسراف جدا پرهیز داشتند و آب وضویشان هم در ظرفی جمع می شد و می فرمودند: آن را در باغچه خانه بریزید⁽⁸⁸⁾.

93- نماز (میرزا آقا جواد تهرانی)

یکی از شاگردان میرزا جواد آقا تهرانی می گوید: برای دیدار حضرت آیت الله العظمی اراکی (رح) به محضر ایشان رفته بودم، صحبت از میرزا جواد آقا شد، آیت الله اراکی فرمودند:

«برای آقای میرزا در نماز خلع روح حاصل می شد⁽⁸⁹⁾.»

94- تاخیر نماز اول وقت و جریمه شخصی (شهید ثانی)

شهید ثانی (رح) می گوید: یکی از بزرگان، نماز مغرب را از اول وقتش تاخیر انداخت تا این که دو ستاره در آسمان ظاهر شد. دو برده در راه خدا آزاد کرد تا کفاره تاخیر نماز اول وقت فضیلتش باشد⁽⁹⁰⁾.

95- سفارشات حضرت آیت الله نمازی شاهرودی برای تشریف امام عصر

(عج)

حضرت آیت الله نمازی شاهرودی پس از نقل تشرفاتشان فرموده بود: «من فهمیده ام که برای توفیق و رسیدن به خیرات و مبرات و سعادت ها چند چیز خیلی با اهمیت است:

اول: محبت اهل بیت علیهم السلام. هر قدر می توانید محبت به خاندان عصمت و طهارت، محمد و آل محمد، اولاد و ذراری آن ها را در دلتان بیشتر کنید. هر خدمتی که از دستتان بر می آید برای ذراری زهرا سلام الله علیها انجام دهید، محبت به اهل بیت علیهم السلام را در قلب خود ممارست و مداومت کنید.

دوم: قرآن خواندن، هر روز مقداری بخوانید، به هر اندازه که می توانید قرآن بخوانید.

سوم: نماز جماعت، را هرگز ترک نکنید، درباره امام جماعت تحقیق کنید، هر جایی که نماز جماعت بر پا می شود و امام جماعت مورد اعتماد است: شرکت کنید. نماز جماعت خیلی مفید است، چه خودتان امام جماعت باشید و چه ماموم.

چهارم: نماز شب را ترک نکنید، از خدا بخواهید که به شما توفیق خواندن

نماز شب را عطا کند، نماز شب آثار عجیبی دارد⁽⁹¹⁾.»

96- انگشتر در دست چپ کراحت دارد (شیخ رجبعلی خیاط)

عارف ربانی حاج شیخ رجب علی خیاط در برابر درخواست های مکرر یاران جهت تشریف به محضر مقدس حضرت ولی عصر (عج) سفارش های خاصی فرموده است که از جمله می توان به مورد زیر اشاره کرد:

شبی یک صد بار آیه کریمه رب ادخلنی مدخل صدق و اخرجنی مخرج صدق و اجعل لی من لدنک سلطانا نصیرا در چهل شب قرائت شود.

یکی از کسانی که این سفارش را دریافت کرده و بر آن مداومت نموده است، پس از چهل روز نزد شیخ می آید و می گوید موفق به زیارت حضرت نشده است. شیخ می فرماید: هنگامی که در مسجد نماز می خواندید آقای سیدی به شما فرمود: «انگشتر در دست چپ کراحت دارد».

و شما عرض کردی «کل مکروه جائز» ایشان امام زمان (عج) بودند⁽⁹²⁾.

97- گریه از فراق یار و بیم صحرای محشر (میزار حبیب الله رشتی)

شب های نجف، مناجات دلدگان بسیاری را در خاطر دارد.

میرزا حبیب الله رشتی، شب ها به ضیافت نور می رفت؛ از خوف خدا چنان می گریست که در و دیوار خانه محقرش، صدای سوزناک گریه اش را می شنید؛ گریه از فراق یار و بیم صحرای محشر. او که راه پیمای بلندای قله عرفان بود، انجام مستحبات را از سال های جوانی پیش گرفته و همواره اهتمامی وصف ناپذیر در انجام آن داشت⁽⁹³⁾.

98- مدام در عبادت (میرزا حبیب الله رشتی)

نوشته اند: «میرزا حبیب الله رشتی (رح) مدام در عبادت بود. بسیار نماز می خواند و بسیار روزه می گرفت. حتی در مسافرت نیز از عبادت خود نمی کاست. او در تمام ساعات حتی هنگام خروج از منزل برای تدریس، یا زیارت

بارگاه معصومین علیهم السلام، سواره و پیاده، نماز نافله می خواند و تسبیح می گفت و قرآن تلاوت می کرد و همیشه وضو داشت ⁽⁹⁴⁾.

شیوه حل مشکلات علمی (بوعلی سینا)

هر گاه «بوعلی سینا» در مسائل علمی به مشکلی بر می خورد، وضو می گرفت و به مسجد می رفت و نماز می خواند و از خدا می خواست که آن مساله مشکل را برای او آسان گرداند ⁽⁹⁵⁾.

جشن تکلیف (سید بن طاووس)

مردم، گروه گروه به طرف منزل (سید بن طاووس) می رفتند، کوچه ها شلوغ بود و شاگردان سید نمی دانستند که این جشن، به چه مناسبتی برگزار می شود. هر کدام در ذهن خود گمانی می داشت، اما از آن مطمئن نبود؛ یکی می گفت لابد «عید» است و ما نمی دانیم آن دیگری مناسبت دیگری را حدس می زد. اما همگی سید را خوب می شناختند و می دانستند که حتما آن جشن مناسبتی دارد. منزل سید از جمعیت موج می زد، ذکر صلوات و قرائت شعر در مدح ائمه علیهم السلام فضای خانه را پر کرده بود و در این میان تنها سید بود که می دانست آن جشن برای چیست؟

سکوت سید طاقت شاگردان را طاق کرده بود، سرانجام یکی از آنان پرسید: اگر مناسبت جشن را بدانیم، بیشتر خوشحال خواهیم شد.

تبسم شیرینی بر چهره سید نقش بست و گفت:

امروز یکی از بهترین روزهای عمر من است. چندین سال پیش، در چنین روزی من به سن تکلیف رسیدم و لیاقت آن را پیدا کردم که مورد خطاب خداوند رحمان باشم و به ادای تکلیف الهی بپردازم، از این جهت، من هر سال این روز را جشن می گیرم ⁽⁹⁶⁾.

101- نمازت را بخوان (لطیفه)

گویند: در جلسه ای، یکی از شعرای معاصر را تکلیف کردند تا شعری بخواند. شاعر نیز به رسم معمول شعرا، تاملی کرد و گفت: نمی دانم چه بخوانم که تا به حال آن را نخوانده باشم.
ظریفی گفت: نمازت را بخوان⁽⁹⁷⁾.

102- از ترس ریا در منزل شیخ بهایی نماز نخواندم (عبدالله شوشتری)

روزی مولا (عبدالله شوشتری) برای دیدن شیخ بهایی به منزل او آمد ساعتی نشست تا اذان گفتند و موقع نماز شد. شیخ بهایی از مولا درخواست کرد که نماز را همین جا بخوانید تا ما هم با شما نماز خوانده و به فیض جماعت نایل شویم، مولا عبدالله مقداری فکر کرد و بعد از آن پاسخی نگفت و به منزل خود بازگشت. بعضی از دوستان راجع به این جریان سوال کردند که شما با اهتمام و اهمیتی که به نماز اول وقت می دهید پس چرا در منزل شیخ، نماز نخواندید؟ او گفت: هر چه فکر کردم دیدم در صورتی که مثل شیخ بهایی پشت سر من نماز بخواند در نفسم یک تغییری حاصل می شود، این بود که از ترس ریا در منزل او، نماز نخواندم⁽⁹⁸⁾.

103- تعطیل شدن حوزه ی درس امام صادق علیه السلام هنگام نماز

امام صادق علیه السلام به یکی از شاگردان خویش به نام (مفضل بن عمر)، توحید تدریس می کردند. مدت این درس، در هفته چهار روز و ساعت درس از صبح تا نیم روز بود. امام علیه السلام هر روز چون وقت نماز فرا می رسید، درس را قطع می کردند و برای نماز بر می خاستند.⁽⁹⁹⁾

104- خشوع قلب و اندام (حضرت علی علیه السلام)

علی علیه السلام می گوید: «پیامبر صلی الله علیه و آله مردی را دید که در نماز، با محاسن خود بازی می کند، فرمود اگر قلب خاشع می بود، اعضا و اندام او نیز چنین بودند» (100).

105- راز دار خلوت نشین

توصیه عبادی و اخلاقی حضرت آیت الله شیخ ابوالقاسم رحمانی مازندرانی حضرت آیت الله رحمانی تمامی توفیقات را در خواندن نماز اول وقت و تعقیبات آن، مخصوصا نوافل می دانست و تهجد و شب زنده داری در نزد او دارای جایگاهی ویژه بود به طوری از سن 12 سالگی نماز شبش ترک نمی شد. خوشا به حال این ستاره ی پر نور شبهای تار ظلمانی که مصداق کامل آیه های 18 و 17 ذاریات می باشد.

كانوا قليلا من الليل ما يهجعون * * * و بالاسحارهم يستغفرون

شب ها اندک می خفتند و سحرگاهان آمرزش می خواستند.
از فرزندش آقای احمد رحمانی درباره ی روح عبادی این مرد الهی سوال شد. ایشان کتابچه ی دعای پدرشان را که به یادگار مانده بود، آوردند.
در صفحه اول کتاب دعا با دست خط معظم له یک دستور عمل درباره کیفیت زیارت عاشورا نوشته شده بود که فرمود:
باید زیارت عاشورا زیر آسمان در فضای باز خوانده شود و قبل از زیارت تاکید فراوان داشت که اول زیارت امین الله حضرت امیر علیه السلام خوانده شود و این زیارت احسن است. بعد صد مرتبه تکبیر (یعنی الله اکبر) گفته شود و بعد از آن زیارت عاشورا معروفه را با همان صد لعن و صد سلام و دو رکعت نماز و در پایان دعای صفوان (دعای علقمه) خوانده شود.

از جمله خصوصیات بارز این مرد پارسا و الهی؛ علاقه مندی شدید ایشان به خاندان عصمت و طهارت بود به طوری که در اغلب اعیاد مذهبی و وفیات مجالس ذکر توسل در منزل بر پا می نمود و روحانیون و دوستان به خواندن مرثیه یا مصیبت و مقتل مبادرت می کردند. (101)

106- شیعه شدن زن انگلیسی به برکت نماز امام حسین علیه السلام

جناب حجت الاسلام اعتمادیان نقل کردند که روز عصر عاشورا جمعیتی حدود هزار نفر از کشورهای گوناگون سینه زنان به سوی مجمع اسلامی حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی (در انگلیس) حرکت می کنند. عزاداری و نحوه گریستن آن ها مورد توجه بسیاری از مردم انگلیس و سایر توریست ها می شود.

یک سال به آن کشور جهت تبلیغ رفتیم. پس از حضور در میان جمع عزاداران و گذشتن از میان خیابان ها، وقتی با آنان وارد مجمع شدیم ناگهان خبر آوردند خانمی انگلیسی با وضع ظاهری نامناسب به اصرار هرچه تمام تر خواستار ملاقات با مسئول مجمع جناب حجت الاسلام عالمی است. پس از قدری شور و مشورت به ناچار به اتفاق ایشان به نزد آن زن رفتیم. او در حالی که برو شوری که شما به هنگام عزاداری در خیابان پخش کردید، نوشته اید، امام حسین علیه السلام در روز عاشورا نماز گذارد، من نیز می خواهم نماز بخوانم! من از فساد و تباهی این جا خسته شده ام و احساس می کنم مطلوب من در نماز خواندن است.

پس لطف کنید نماز خواندن را همان طور که امام حسین علیه السلام روز عاشورا نماز گذارد، به من یاد دهید تا بخوانم. با تعجب و حیرت به او گفتم. نماز خواندن برای شما مقدور نیست! زیرا نماز دارای شرایط خاصی است که هر کس با هر عقیده ای نمی تواند آن را به جا آورد.

او معترضانه گفت: مگر خدای من با خدای امام حسین علیه السلام تفاوت دارد که من نمی توانم نماز او را بخوانم؟

به او گفتیم: امام حسین علیه السلام امام شیعیان بود، تو باید مسلمان و شیعه شوی، تا بتوانی چنین نمازی بخوانی و لازمه نماز خواندن، حجاب دار شدن است. او بلافاصله لباس را طلبید و همان هنگام که عصر روز عاشورا بود به برکت نمازگزاردن امام حسین علیه السلام به مذهب شیعه گروید، آن گاه به تلقین ما همان جا نماز را خواند و بالاخره یکی از زنان صالح آن کشور شد و گاه و بی گاه برای پرسش از مسائل شرعی در آن مجمع حاضر می شد ⁽¹⁰²⁾.

107- نتیجه روضه خواندن (آیت الله مرعشی نجفی)

حضرت حجت الاسلام و المسلمین آقای محمود مرعشی نجفی فرزند مرحوم حضرت آیت الله مرعشی نجفی (رح) نقل کردند که یک روز به والد مرحوم عرض کردم: یکی از خاطرات زندگی خود را برایم تعریف کنید فرمود: در زمان سابق که قم به این صورت وسعت نداشت و وسیله نقلیه هم مثل امروز نبود، یک شب مرا به مجلس عقد دعوت کردند. پس از انجام عقد که در محله (چوب شور) بود من تنها به سوی منزل می آمدم در حالی که کوچه ها پر برف و خلوت بود ناگهان در سر یک کوچه مردی که مست بود راه را بر من بست و گفت:

سید باید یک روزه در این مکان برایم بخوانی! من گفتم: روزه را باید روی صندلی خواند این جا که صندلی نیست یک مرتبه خم شد و گفت: این هم صندلی، بنشین روزه را بخوان و بهانه نیاور! من ناچار روی پشت او نشسته روزه ای خواندم. سپس گفت: من باید تو را به منزلت برسانم، همراه من تا درب منزل آمد، آن وقت مرا شناخت. پس از آن توبه کرده و از کارهای نامشروع دست کشید و یک نفر مومن متعبد و متقی شد به طوری که دائما در صف اول نماز جماعت حاضر می شد.

این از برکت (سفینه النجاه) حضرت سید الشهداء علیه السلام بود. از بعضی دوستان که آن مرد را می شناختند شنیدم که او را آقای شتردار می گفتند ⁽¹⁰³⁾

108- اهمیت نماز عصر (رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم)

زمان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بود، زنی در غیاب شوهرش زنا کرد، ولی پس از این عمل زشت، پشیمان شده، سخت ناراحت شد، در حالی که بسیار پریشان بود، در یکی از کوچه های مدینه می گذشت و فریاد می زد: (مرا به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم راهنمایی کنید) پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم او را دید، و از او پرسید:

(چرا پریشان هستی و فریاد می زنی؟!)

او عرض کرد: در غیاب شوهرم، زنا کرده ام، پس از مدتی دارای فرزند شدم، پس از تولد، او را در میان سرکه داخل خمره گذاردم و سپس آن سرکه را فروختم (سه گناه بزرگ مرتکب شده ام: 1 زنا کرده ام - 2 - کودک را کشته ام - 3 - سرکه آن چنانی را فروخته ام (آیا توبه ام پذیرفته است؟!).

پیامبر (ص) فرمود: زنا کردی باید سنگسار شوی ⁽¹⁰⁴⁾ مرتکب قتل کودک شده ای که کيفرش، دوزخ است، سرکه آن چنانی را فروخته ای و در نتیجه، گناه بزرگی کرده ای، «ولی گمانم آن است که نماز عصر را ترک کرده ای ⁽¹⁰⁵⁾ و به

خاطر ترک نماز عصر و سهل انگاری در نماز، آن گونه منحرف شده ای که به چنین گناه بزرگی آلوده شده ای (106).

109- معنی صحیح «الله اکبر» (امام جعفر صادق علیه السلام)

معمولا وقتی از افراد سوال می شود معنی «الله اکبر» چیست؟ در پاسخ گویند یعنی «خدا از همه چیز بزرگ تر است.»

ولی این معنی غلط است اینک به داستان زیر توجه کنید:

جمیع بن عمیر گوید: در محضر امام صادق علیه السلام بودم، آن حضرت از من پرسید جمله (الله اکبر) یعنی چه؟

عرض کردم: یعنی «خدا بر همه بزرگ تر است.»

فرمود: مطابق این معنی، خدا را چیزی تصور کردی و سپس مقایسه با سایر چیزها نمودی، و او را بزرگتر از آن چیزها تصور نموده ای (این تشبیه است.)

عرض کردم «پس معنی الله اکبر چیست؟»

فرمود: معنایش این است که: الله اکبر ان یوصف:

یعنی (خداوند بزرگ تر از آن است که توصیف گردد)

به عبارت روشن تر ذات پاک خدا را محدود نکن به این که: او در طرفی و سایر مخلوقات را در طرف دیگر قرار دهی، و بگویی او از همه بزرگ تر است، در نتیجه مرتکب تشبیه گردی (107).

110- چهار نماز گزار عیجو (طیفه)

چهار نفر برای نماز به مسجد رفتند، و مشغول نماز شدند، در این هنگام موذن مسجد، وارد مسجد شد، یکی از آن ها در نماز به او گفت:

ای موذن آیا وقت شده بود که اذان گفتی؟

دومی گفت:

آهای! در نماز سخن گفتی و نمازت باطل شد.

سومی به دومی گفت:

طعنه مزین، خودت نیز در نماز سخن گفتی و نمازت باطل شد.

چهارمی گفت:

شکر خدا که من در نماز، حرف نزد.

آن چهارم گفت الحمد لله که من در نیفتادم به چه، چون آن سه تن

نماز هر چهار نفر به این ترتیب باطل شد.

پس ای برادر، غافل مباش! که عیب گوئی، چه بسا موجب گمراهی خود

انسان می شود، و عیب جوها بیشتر در راه گم می افتند:

پس نماز هر چهاران شد تباه عیب گویان، بیشتر گم کرده راه (108)

111- دین بی خیر (رسول اکرم ﷺ)

سال نهم هجرت رسول الله ﷺ در مدینه بود، مردم، گروه گروه به مدینه

آمده و در محضر آن حضرت، مسلمان می شدند، از جمله گروهی از طائفه

تقیف (ساکن طائف) آمدند، پس از گفتگو، پیامبر ﷺ به آن ها فرمود:

«یکی از دستورات اسلام نماز است» نماز بخوانید، آن ها گفتند ما خم نمی

شویم زیرا این کار برای ما یک نوع ننگ و عار است.

پیامبر ﷺ فرمود: لاخیر فی دین لیس فیه رکوع و لاسجود

«دینی که در آن رکوع و سجده نباشد، خیری در آن نیست»

به نقل بعضی از مفسران: آیه 48 سوره مرسلات در رد پیشنهاد آن ها با این

تعبیر نازل شد: و اذا قیل لهم اركعوا لا یركعون

«و چون به آن ها گویند رکوع کنید، رکوع نکنند» (109).

112- معنی سبحان الله (حضرت علی علیه السلام)

شخصی از عمر بن خطاب پرسید: تفسیر کلمه «سبحان الله» چیست؟
عمر گفت: در این باغ (اشاره به باغی که در آن جا بود) مردی هست که
وقتی سوال کنی، پاسخ می دهد، و وقتی سکوت کنی، آغاز به سخن (در راه
آموزش) می نماید، آن شخص، به باغ رفت و دید حضرت علی علیه السلام در باغ
مشغول کار است، به حضورش رفت و عرض کرد: (معنی سبحان الله) چیست؟
علی علیه السلام فرمود: سبحان الله، تعظیم مقام بلند و با عظمت خدا است، و منزله
دانستن خدا است از آن چه که مشرکان می پندارند، و وقتی که بنده ای این کلمه
را می گوید، همه فرشتگان بر او درود می فرستند ⁽¹¹⁰⁾.

113- امام حسین علیه السلام و مناجات

شخصی از امام سجاد علیه السلام پرسید: چرا پدر تو امام حسین علیه السلام فرزندان
اندک داشت؟ امام سجاد علیه السلام فرمود: همین قدر که داشت، تعجب آور بود، زیرا
پدرم در هر شبانه روزی هزار رکعت نماز می گذارد، بنابر این، کی برای آمیزش
با زنان، فراغت می یافت؟!!

و در شب عاشورا حسین علیه السلام و یارانش تا صبح مناجات و ناله می کردند، و
زمزمه ناله آن ها هم چون آوای بال زنبور عسل، شنیده می شد، جمعی در
رکوع و جمعی در سجده، و گروهی ایستاده و بعضی نشسته مشغول عبادت
بودند. و در آن شب سی و دو نفر از سپاه عمر سعد که گذارشان به خیمه های
حسین علیه السلام افتاد، به آن حضرت پیوستند ⁽¹¹¹⁾ و از مناجات امام حسین علیه السلام در
لحظات آخر عمر است:

«بر تقدیر تو صبر می کنم ای پروردگار من، معبودی جز تو نیست ای پناه
پناه آورندگان ⁽¹¹²⁾»

114- سه مسلمان در همه دنیا (عقیف کندی)

عقیف کندی نقل می کند، در دوران جاهلیت (در آغاز بعثت) برای خریدن لباس و عطر برای خانواده ام به مکه مسافرت کردم، و با عباس بن عبدالمطلب (عموی پیامبر ﷺ) که فروشنده کالاها و لوازم زندگی بود، ملاقات کردم و در نزد او بودم و به کعبه نگاه می کردم، در حالی که خورشید به وسط آسمان رسیده و ظهر بود (و هوا بسیار گرم بود) ناگهان دیدم جوانی آمد و به آسمان نگاه کرد و سپس روبروی کعبه ایستاد (و مشغول نماز شد) چند لحظه بعد دیدم نوجوانی آمد و در طرف راست او ایستاد، و سپس چند لحظه نگذشت که بانویی را دیدم آمد و پشت سر آن دو نفر به نماز ایستاد، دیدم آن جوان به رکوع و سپس به سجده رفت، و آن نوجوان و زن نیز رکوع و سجده به جا آوردند.

به عباس گفتم: «موضوع بزرگ و عجیبی می بینم»

گفت: آری، امر عظیمی است، آیا می دانی این جوان و آن نوجوان، و آن زن کیستند؟ گفتم: نه.

گفت: «آن جوان محمد بن عبدالله (ﷺ) است، و این نوجوان، علی (ع) است و آن زن خدیجه می باشد، و پسر برادرم (محمد - ﷺ) می گوید: خداوند خالق، به این دین و روش فرمان داده است، سوگند به خدا در همه روی زمین غیر از این سه نفر در این دین (اسلام) نیافته ام⁽¹¹³⁾.

115- قضای سی سال نماز (یکی از اهل مسجد)

شخصی اهل مسجد و نماز بود، نماز جماعتش ترک نمی شد، به قدری مقید بود که زودتر از دیگران به مسجد می آمد و در صف اول جماعت قرار می گرفت و آخرین نفری بود که از مسجد بیرون می رفت، روشن است که چنین انسانی، باید فردی خدا ترس و متدین باشد، یکی از روزها اموری باعث شد که

اندکی دیر به مسجد رسید، دید در صف اول نماز جماعت جا نیست مجبور شد در صف آخر قرار بگیرد، ولی پیش خود خجالت می کشید و آثار شرمندگی از چهره اش پدیدار شد، با خود می گفت چرا در صف آخر قرار گرفتم...

ناگهان به خود آمد که این چه فکر باطلی است که بر من چهره شده است؟ اگر خلوص باشد که روح عبادت است، صف اول و آخر ندارد، به خود گفت: عجب! معلوم می شود سی سال نماز تو آلوده ی به ریا بوده، و گرنه نمی بایست صف آخر، شائبه ای در دل تو ایجاد کند.

این فکر، نوری در قلبش به وجود آورد، که باید چاره جوئی کرد، و تادیر نشده غول ریا را از کشور تن بیرون نمود، به سوی خدا پناه برد، و از شر شیطان به پناه الهی رفت، با صبر و حوصله، توبه حقیقی کرد و خود را اصلاح نمود، و تصمیم گرفت که تمام نمازهای سی ساله اش را قضا کند، زیرا دریافت که در صف اول بوده، و در آن ها شائبه ریا وجود داشته، آری از خواب غفلت بیدار گشت و با همتی قوی روح و روان خود را با آب توبه حقیقی شستشو داد و نمازهای سی ساله اش را قضا نمود (114).

116- مناجات ملاصدرا (هانری کربن فرانسوی)

هانری کربن فرانسوی درباره مناجات ملاصدرا می گوید: ملاصدرا مدت یک ساعت بدین ترتیب مناجات کرد و از بیم آن که ایمانش به خداوند متزلزل شود به گریه در آمد و بعد از قدری گریستن از اتاق بیرون رفت و کنار حوض خانه وضو گرفت و برگشت و به نماز ایستاد. آن شب، ملاصدرا از بیم آن که ایمانش دچار تزلزل شود، تا صبح نماز نافله خواند (115).

117- حاضرم تمامی نمازهایم را با آن آه عوض کنم

مردی وارد مسجد شد و دید تکبیر می گویند.

پرسید: نماز چندم است؟

یکی جواب داد تمام شد.

گفت: آه

مردی از جمع برخاست و گفت:

حاضرَم تمامی نمازهایم را با آن (آه) تو عوض کنم.

118- نماز اول وقت (حضرت آیت الله العظمی صالحی مازندرانی)

مرجع عالیقدر برای نماز اول وقت اهمیت زیادی قائل بودند. به همین جهت

قبل از فرا رسیدن اوقات نماز، لحظاتی به انتظار می نشستند.

یکی از نزدیکان و شاگردان فقیه عالیقدر می گوید:

«آقا در مراسمی که به مناسب اربعین درگذشت یکی از بستگان، در خطه مازندران برگزار شده بود، شرکت کردند. مقارن ظهر بود که مجلس به پایان رسید و مردم آماده پذیرایی بودند، اما مرجع عالیقدر بلافاصله مجلس را ترک کرده و به منزل یکی از اقوام که نزدیک بود، تشریف بردند و در آن جا با جمع حاضر بودند، نماز خواندند. بعد از نماز، مجدداً به مجلس باز گشتند.

گفتنی است که آقا به رسومات مردم اهمیت می دادند و تا آن جا که امکان داشت برای این مسائل احترام قائل بودند، چون در آن منطقه رسم بر این بود که بعد از پایان مراسم، فوراً پذیرایی انجام شود (به خاطر این که افراد زیادی از مناطق دور آمده و به لحاظ کمبود وسیله نقلیه، بعد از مراسم به سرعت باز می گردند)، آن مرجع عظیم الشان نیز نخواستند با انجام نماز جماعت در همان مکان، موجبات مشقت و ناراحتی مردم را فراهم کرده باشند، و از طرفی خودشان به نماز اول وقتشان هم رسیدند، و با این کار بین دو وظیفه، جمع کردند (116).»

119- سفارش به نماز اول وقت (شیخ محمد مجتهد)

در احوالات حضرت آیت الله شیخ محمد فارابی خاتقاهی سوادکوهی (مشهور به شیخ محمد مجتهد) می گویند:

شیخ در عبادت و صفای باطن و تضرع و زاری به درگاه خدای سبحان و تهجد و نماز شب و مناجات، و نماز اول وقت زبان زد خاص و عام بود و می فرمود: «حضرت مهدی (عج) به یکی از مشتاقان دیدارش به نام (زهری) که به زیارت آن حضرت موفق شده بود، دوبار فرمود: از رحمت خدا دور است کسی که نماز صبح را چندان تاخیر بیندازد تا ستاره ها ناپدید شوند، و نماز مغرب را به قدری تاخیر بیندازد تا ستاره ها ظاهر شوند⁽¹¹⁷⁾ با ذکر این حدیث همیشه شاگردان و اطرافیانش را به نماز اول وقت و اهمیت آن سفارش می نمود. و هم چنین سحرخیزی و گریه و مناجات در خلوت سحرگاه و دوری گزیدن از اهل دنیا و هواپرستی، و ساده زیستی از جمله اولیای خدا بود⁽¹¹⁸⁾.

120- یک منبر مخصوص نماز (آیت الله العظمی اراکی)

(حضرت آیت الله العظمی اراکی) یک روز چند نفر از وعاظ را جمع کرد و گفت: خدا یک نعمت بزرگی به شما داده است. و آن نعمت طلاق لسان و فصاحت کلام است.

و این را خدا به شما مرحمت کرده است که می توانید این منبرهای عجیب و غریب را تحویل مردم دهید. خوب است یک منبر را مخصوص نماز کنید، چون نماز در انظار مردم خیلی خفیف شده است، و مردم با نظر کوچکی به آن نگاه می کنند. با این قدرتی که خدا به شما داده است، می توانید این را خیلی بزرگ کنید.

اصرار کرد که در خصوص نماز یک یا دو منبر بروید و نماز را در ذهن

مردم بزرگ کنید و از این کوچکی که برای نماز پیدا شده، نجاتش دهید (119).

121- قبله کدام طرف هست (لطیفه)

شخصی خواست در خانه ای نماز بخواند، از صاحب خانه پرسید قبله کدام طرف است؟ صاحب خانه در جواب گفت من هنوز دو سال بیشتر نیست که در این خانه ام؛ کجا می دانم قبله کدام طرف است؟!

122- تو بخوان تا من هم بخوانم (لطیفه)

شخصی نزد عالمی رفت و از همسرش شکایت کرد که نماز نمی خواند آن عالم فرمود:

او را از عذاب الهی به ترسان و بگو که خداوند انواع عذاب ها را برای گناه کاران و بی نمازان مقرر کرده.

گفت خیلی از جهنم گفته ام قبول نمی کند.

عالم فرمود: از نعمت های بهشت برایش تعریف کن شاید به طمع بهشت نماز بخواند.

گفت آقا خیلی گفته ام ولی نمی پذیرد.

عالم فرمود:

دلیلش چیست چرا نمی خواند؟

گفت ؛ همسرم به من می گوید:

تو بخوان تا من هم بخوانم.

123- نماز سحرگاهان (ابن جنید)

سعید بن محمد بن جنید، معروف به ابن جنید از عرفای طراز اول قرن سوم به شمار می آمد، که به سال 297 هجری قمری در بغداد درگذشت، وی استاد ماهر و دانشمندی ناطق و زبردست بود، ولی در سلک صوفیان به شمار می رفت. بعضی از علمای بزرگ، آن زمان به نام جعفر خالدی می گوید: در عالم خواب ابن جنید را دیده ام، و به او گفتم:

خداوند با تو چگونه رفتار کرد؟! در پاسخ گفت: همه این اشارات و عبارات و رسوم و علوم که داشتم، از بین رفت و ما نفعنا الارکعات کنا نرکعها فی الاسحار یعنی: جز چند رکعت نمازی که در سحرگاهان می خواندم، چیزی به حالم، سود نبخشید (120).

124- تعجیل در نماز، یا تاخیر؟ (حسن بصری)

حسن بصری را گفتند: نماز نمی خوانی؟ بازاریان نمازشان را بخوانند. گفت: بازاریان هر گاه کارشان سود دهد. نماز به تاخیر اندازند و هر وقت کسادی حاصل شود در آن تعجیل کنند (121)؟

125- نماز اول وقت (مقام معظم رهبری)

شهید امیر سیهبد، علی صیاد شیرازی درباره اهمیت نماز اول وقت رهبر عزیز می فرماید: هنوز 24 ساعت از انتخاب آیت الله خامنه ای به رهبری انقلاب اسلامی نگذشته بود که به من وقت دادند به صورت خصوصی، بیست دقیقه قبل از ساعت دوازده، در دفترشان با ایشان ملاقات کنم. من کمی زودتر رفتم. وضو

گرفته بودم تا برای نماز اول وقت آماده باشم. پنج دقیقه به اذان ظهر بود، دیدم سجاده آقا پهن کردند.

همین که موقع نماز شد، مقام معظم رهبری به سمت سجاده رفتند و نماز اول وقت را با همان حالی که در زمان امام راحل (رح) پشت سر ایشان اقامه می کردیم؛ به جماعت خواندیم.

من در آن روز، همان اعتقاد عمیق حضرت امام نسبت به اقامه نماز اول وقت را در سیره مقام معظم رهبری دیدم.

126- با فریاد بلند اذان بگوید (شهید نواب صفوی)

شهید نواب صفوی به یاران خود دستور داده بود هنگام ظهر و مغرب هر کجا بودید با فریاد بلند، اذان بگوئید!

همین اذان ها وحشتی در دل مامورین نظام به وجود آورده بود⁽¹²²⁾.

127- معراج نماز فاطمه (س)

امام ششم علیه السلام می فرمود:

آن گاه که فاطمه (س) به معراج نماز می رفت، نورش بر آسمانیان می درخشید؛ هم چون اختران که بر چهره زمینیان نور می پراکنند⁽¹²³⁾.

128- شب زنده داری (مقام معظم رهبری)

هفته نامه پرتو سخن، به نقل از سردار محمد شیرازی می نویسد:

یکی از ویژگی های مقام معظم رهبری، شب زنده داری است. در زمان ریاست جمهوری نیز، این خصوصیت در پهنه زندگی آقا، حیات معظم له را نورانیت خاصی بخشیده بود.

در همان دوران، مقام معظم رهبری سفری به سوریه داشتند. در صبح یکی از روزهای سفر، حدود ساعت ده که جلسه ای با رئیس جمهوری سوریه داشتند،

حافظ اسد رو به ایشان می کند و می پرسد: دیشب که خوب خوابیدید؟ که مقام معظم رهبری فرمودند:

- «من هفت ساعت است که بیدارم⁽¹²⁴⁾؟»

129- وقت نماز شد گزارش را قطع کنید (مقام معظم رهبری)

سردار شوشتری نقل می گوید: زمانی که در قرارگاه عملیات والفجر 10 بودیم؛ داشتیم گزارش می دادیم یک مرتبه آقا فرمودند: وقت نماز شده، گزارش را قطع کنید و آماده نماز شوید. حالا ما گرم گزارش دادن بودیم، آقا فرمودند: اول نماز بخوانیم، بعد گزارش را ادامه بدهید.

130- ما اگر کاری می کنیم برای نماز است (مقام معظم رهبری)

سردار شوشتری درباره اهمیت نماز اول وقت مقام معظم رهبری می گوید: «در بعضی جلسات ما، شهید بهشتی اصلاً به ما نمی گفت که وقت نماز است، بلکه بلند می شد و آماده نماز می شد. ما اگر کاری می کنیم برای نماز است»⁽¹²⁵⁾.

131- نمازهای پنجگانه و ریزش گناهان (پیامبر اسلام ﷺ)

در حضور سلمان فارسی، زیر درختی نشسته بودم که یک باره دیدم او شاخه خشکی را گرفت و به قدری آن را تکان داد که همه برگ هایش فرو ریخت. آن گاه رو به من کرد و گفت.

«ابوعثمان! نرسیدی چرا این کار را کردم؟»

- خوب حالا می پرسم! راستی از این کار چه بود؟

سلمان سرش را تکان داد و گفت:

«این درست همان کاری بود که یک بار، رسول خدا ﷺ آن را انجام داد.

یادم می آید همین طور زیر یک درخت نشسته بودیم، که پیامبر خدا ﷺ

فرمودند: سلمان! نرسیدی چرا این شاخه را این طور تکان دادم... عرض کردم:
«بفرمایید چرا؟»

آن بزرگوار فرمودند: هنگامی که مسلمان وضو بگیرد و خوب وضو بگیرد،
آن گاه نمازهای پنجگانه را به جا آورد، گناهایش فرو می ریزد؛ همان طور که
برگ های این شاخه فرو ریخت «

سپس پیامبر گرامی ﷺ آیه صد و چهاردهم سوره هود «واقم الصلوه طرفی
النهار...» را تلاوت فرمودند (126)

132- حق نماز در کلام امام سجاد علیه السلام

و حق نماز این است که بدانی، آن هجرت است به سوی خدای عزوجل، و
تو در حال نماز، در مقابل خدای گران قدر و شکوهمند ایستاده ای، هنگامی که
این را دانستی، در جایگاه بنده خوار کوچک مشتاق نگران امیدوار ترسان بی
چاره ای قرار می گیری که، آن را در برابرش ایستاده ای، بزرگ دانسته، و با
آرامش و هیبت، عظمت او را پاس می داری، و با قلبت به نماز روی آورده، را
با تمام حد و مرزها و حقوق لازم بر پا می داری. (127)

133- توجه و حضور قلب در نماز (حضرت امامراحل)

حضرت امام خمینی (رض) در کتاب چهل حدیث شریفش درباره توجه و
حضور قلب در نماز می فرماید:

حضرت امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام به فضیل بن یسار فرمودند:
نیست از برای تو از نمازت مگر آن چه توجه قلب کردی به آن از نماز؛ پس
اگر غلط به جا آورد تمام آن را، یا غافل شود از آداب آن، پیچیده شود و به آن
زده بشود به روی صاحبش (128).

134- نماز امام سجاده علیه السلام و نافله ها

ابوحمزه ثمالی گفت: دیدم حضرت سجاده علیه السلام، را که نماز می خواند؛ پس عبای آن حضرت افتاد، حضرت راست نفرمود عبا را تا از نماز فارغ شد. از آن بزرگوار سوال کردم، فرمود: «وای به تو! آیا می دانی در حضور کی بودم. همانا از بنده قبول نمی شود نمازی مگر آنچه را توجه قلب کرده از آن.» عرض کردم: «فدایت شوم، هلاک شدیم ما!» فرمود: هرگز، همانا خداوند تمام می فرماید آنرا برای مومنین به واسطه نافله ها. « (129)

135- مثل کسی که با نماز وداع کند نماز بخوانید (امام جعفر صادق

علیه السلام)

امام صادق علیه السلام به عبدالله بن ابی یعفور فرمود: «ای عبدالله وقتی که مشغول نماز می شوی، مثل کسی که وداع کند با نماز و ترس آن دارد که دیگر به آن نرسد نماز بخوان؛ پس از آن چشمت را بدوز به موضع سجودت. تو اگر بدانی کسی در راست و چپت هست نمازت را نیکو به جا می آوری، بدان که تو پیش روی کسی ایستادی که او تو را می بیند و تو او را نمی بینی.» (130)

136- نماز در حالت کسالت و چرت زدن ممنوع (حضرت علی علیه السلام)

حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

«نایستد در نماز البته هیچ یک از شما در حال کسالت و نه در حال چرت زدن، و اندیشه نکند البته در پیش نفس خود؛ زیرا که او در محضر پروردگار است. و جز این نیست که از برای بنده از نمازش آن چیزی است که توجه کرده است به آن چیز به قلب خویش از نمازش.» (131)

137- دو رکعت نماز با توجه و آموزش گناهان (امام جعفر صادق علیه السلام)

راوی می گوید: شنیدم حضرت صادق علیه السلام می فرمود: «کسی که دو رکعت نماز بخواند در صورتی که بداند چه می گوید در آنها، منصرف شود و حال آن که نیست بین او و بین خداوند گناهی مگر آن که آمرزیده آن را ⁽¹³²⁾.»

138- الله اکبر (رسول اکرم صلی الله علیه و آله)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

هرگاه موذن بگوید: «الله اکبر» خداوند می فرماید:

«ای امت محمد! مهبای نماز شوید و شغل دنیا را ترک نمائید. ⁽¹³³⁾»

139- شرکت در نماز جماعت (حضرت علی علیه السلام)

به مولای متقیان علی علیه السلام خبر دادند که: گروهی از همسایگان مسجد در نماز جماعت حاضر نمی شوند. حضرت فرمودند: «آن ها باید همراه ما در نماز جماعت شرکت کنند، یا این که از ما دور شوند تا همسایه ما نباشند و ما نیز همسایه آنان نباشیم. ⁽¹³⁴⁾»

140- نقشه شوم و تعبیر نشدنی جاسوس انگلیس

مستر همفر جاسوس کهنه کار انگلیس می نویسد:

باید اساس هر گونه نماز جماعتی را با اشاعه اتهامات به ائمه جمعه و جماعات بر هم زد و از استقبال مردم از آن کاست. مخصوصا لازم است دلایلی! بر فسق و فجور امام جماعت ارائه داد تا هرگونه رابطه ای بین امام و مردم با سوء ظن دشمنی با او از میان برود. ⁽¹³⁵⁾

141- من تو را دوست دارم (امام حسین علیه السلام)

راوی می گوید: داخل مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله شدم و دیدم که امام حسین علیه السلام در حال سجده بود و صورت مبارکش را بر خاک می گذاشت و می گفت:

«مولای من! اگر مرا با خطاکاران در دوزخ گرد آوری به آنان می گویم که: من تو را دوست دارم.» (136)

142- مهریه اندک: ولی ازدواج مهم (امام سجاد علیه السلام)

مردی به مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شد و با عجله بسیار دو رکعت نماز گزارد و هیچ یک از ارکان نماز هم چون قیام و رکوع و سجود را با رعایت آداب و شرائط به جا نیاورد و در قرائت آن نیز دقت نکرد.

بعد از اسلام نماز دست به دعا برداشت و عرض کرد: پروردگارا! برترین درجات بهشت را روزی من کن و یک قصر زرین و چهار حورالعین به من عطا فرما!

امام زین العابدین علیه السلام که در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله حضور داشت و از نزدیک، نماز آن مرد را دیده و دعاهاى او را شنیده بود، رو به او کرد و فرمود: ای برادر! مهریه اندک و ناچیز آورده ای و ازدواج مهم و بزرگی را درخواست میکنی (137).

«

143- شفا بیمار و عطا فرزند به واسطه اذان بلند (امام رضا علیه السلام)

«هشام بن ابراهیم» خدمت امام رضا علیه السلام شرفیاب شد و از بیماری و نداشتن فرزند شکوه کرد. امام رضا علیه السلام به او دستور داد که در خانه اش با صدای بلند اذان بگوید. «هشام بن ابراهیم» میگوید:

دستور امام علیه السلام را اجرا کردم و خداوند به برکت آن بیماریم را شفا داد و فرزندانى به من عطا فرمود. (138)

144- مسلمان شدن یک خانم فرانسوی به برکت نماز

یکی از علمای معاصر می گوید: در سفر به فرانسه از خانمی که مسلمان شده بود پرسیدم: چگونه مسلمان شدید؟

گفت: من سال ها پیش مقیم الجزایر بودم. یک روز از جاده ای عبور می کردم که در کنار آن مزرعه ای بود و دیدم کسی رو به سمتی ایستاده و حرکاتی انجام می دهد. کنجکاو شدم و از دیگران پرسیدم: این حرکات چیست؟ گفتند: نماز می خواند. کنجکاو تر شدم و سراغش رفتم، پرسیدم: چه می کنی، چه می گویی و چه می خواهی؟ وقتی متوجه شدم که در اسلام ارتباط با خالق این اندازه آسان است و این قدر عمیق و لطیف است تکان خوردم و این علت اصلی مسلمان شدن من بود (139).

145- شیخ مفید و اقامه نماز

«شریف ابویعلی جعفری» درباره شیخ مفید (رح) گفته است: او مقدار کمی از شب را می خوابید، آن گاه بر می خاست و نماز می گزارد، یا کتاب می خواند، یا درس می گفت: یا قرآن تلاوت می کرد (140).

146- بهشت، یا نماز (ابوبکر شبلی)

در تفسیر عاملی نقل شده که «ابوبکر شبلی» گفت: اگر مرا مخیر کنند میان آن که در نماز شوم یا در بهشت شوم آن بهشت بر این نماز اختیار نکنم، که آن بهشت اگر چند ناز و نعمت است، این نماز از ولی نعمت است. آن نزهتگاه آب و گل است، وین تماشاگاه جان و دل است. آن مرغ بریان است در روضه رضوان، وین روح و ریحان است در بستان جانان (141).

147- ز ورد نیمه شب و درس صبح گاه رسید (مرحوم آیت الله سبزواری)

یکی از کسانی که من (سید عباس موسوی مطلق) در زمان حیات شان زیاد به خدمت شان مشرف می شدم و از انفاس الهی اش بهره مند می شدم مرحوم آیت الله سبزواری بودند که در مشهد مقدس مسجد جامع حکیم اقامه جماعت

می فرمودند: خداوند رحمتش کند، سیمای منورش انسان را به یاد سلمان صحابی رسول خدا ﷺ می انداخت.

من مکرر خدمت ایشان می رسیدم و تقاضای نصیحت و پند می کردم همیشه این نصیحت را در کنار سایر نصایح خیلی سفارش می فرمود و گویا خود لذت او را درک کرده بوده که این گونه سفارش می کرد حتی وقتی بیمار شد و او را به بیمارستان حضرت موسی بن جعفر علیه السلام منتقل کردند به همراه یکی از دوستان به عیادتش رفتم باز هم سفارش فرمودند که: نماز شب، نماز شب مقید باشید به نماز شب.

مرو به خواب حافظ به بارگاه قبول زورد نیمه شب و درس صبحگاه رسید از ایشان سوال کردم سخت ترین واقعه عاشورا چه بود؟ فرمودند: آه لگد کردن بدن مطهر حضرت و اسارت حضرت زینب (س) ⁽¹⁴²⁾.

148- در محضر بزرگان (مرحوم آیت الله مولوی)

از صاحب کتاب «در محضر اولیاء» نقل شد. یک روز به دیدار مرحوم آیت الله مولوی (قدس الله نفسه الزکیه) رفتم، جلسه، جلسه بسیار با معنویتی بود، معظم له در ضمن صحبت ها نصایحی فرمودند که بنده همان وقت یاد داشت کردم در ذیل به برخی از آن نصایح اشاره می شود.

1- نماز خود را اول وقت بخوانید و ترک نکنید.

2- تعقیبات نماز را بخوانید.

3- حضور قلب در نماز داشته باشید، از خداوند طلب کنید و او حضور قلب

را می دهد.

4- معصیت نکنید... و چندین نصایح دیگر ⁽¹⁴³⁾.

149- در محضر بزرگان (حضرت استاد دریاباری)

خدای سبحان بر بنده منت نهاد که حدود هیجده سال از سفره با برکت علم و ایمان نزد حضرت استاد سید عنایت الله دریاباری تلمذ کنم. در طول این مدت و سایر اوقات که در خدمت شان بودیم و هستیم نکات بسیار ظریفی را از رفتار ایشان آموختم. تواضع، فروتنی، ساده زیستی و تهجد و شب زنده داری از خصوصیات بارز ایشان است.

معظم له همیشه سفارش فرمودند: قدر این لباس روحانیت را بدانید، این لباس پیامبر ﷺ و اهل بیت (س) می باشد.

سفارش همیشگی استاد تاکید بسیار به نماز شب و اقامه نماز اول وقت هست. ایشان می فرمودند: زمانی که در رستم کلا به شهر تحصیل می کردم حضرت استاد، آیت الله العظمی ایازی (رح) دائماً این نکته را تذکر می دادند و نیمه شب خودشان بلند می شدند و طلاب را بیدار می کردند. تاکید ایشان بر این است که اگر انسان می خواهد به جایی برسد، از توفیق نماز شب، نماز شب، نماز شب است.

150- در محضر بزرگان (آیت الله العظمی کشمیری)

مؤلف کتاب «در محضر اولیاء» نقل می کند یک روز حضرتشان را به حق حضرت ختمی مرتبت ﷺ قسم دادم که اجازه فرمایند

سه روز خادم ایشان باشم، فرمودند: احتیاجی نیست، اصرار کردم قبول فرمودند،
لذا سه روز از صبح تا شب در منزل ایشان بودم، در این مدت و سایر اوقات
سوالاتی از محضرشان می کردم که به برخی از آن ها اشاره می کنم.
سوال: هر عارفی یک نقطه دگرگونی داشته است! شما چطور شد که منقلب
شدید؟!

جواب: رسیدن به محضر مرحوم قاضی.

س: الان چه کسی را به عنوان استاد کامل معرفی می کنید؟

ج: آقای بهجت آقای بهجت.

س: مهمترین خصوصیات مرحوم قاضی چه بود؟

ج: صبر و توکل.

س: رمز موفقیت را در چه می دانید؟

ج: نشستن با بزرگان، نماز شب.

س: سفارشی به بنده و طلاب فرمائید؟

ج: تقوا داشته باشید و درس بخوانید.

س: چند سال محضر مرحوم قاضی بوده اید؟

ج: 8 سال.

س: رابطه شما با امام چطور بود؟ آقا مصطفی شاگرد شما بود؟

ج: علاقه زیادی به من داشت، آقا مصطفی رفیق من بود.

س: مقام معظم رهبری را می شناسید؟

ج: نه خیر، حکومت اسلامی است خیلی خوب است ⁽¹⁴⁴⁾

س: از سفارشات مرحوم قاضی اگر یادتان هست بیان فرمائید؟

ج: سجده یونسیه حداقل 400 بار در سجده در سحر بهتر است و قرآن بخوانید.

س: در ماه رجب چه عملی انجام بدهیم؟

ج: هر روز 1000 مرتبه استغفار و دعای (یا من تحل)

س: ترک حیوانی چقدر در نورانیت موثر است؟

ج: خیلی فقط قبل از چهل روز یک مرتبه گوشت بخورید جهت رفع کراهت.

س: چه موقع انسان می تواند خدمت امام زمان برسد؟

ج: هر وقت متقی شدید خدمت امام زمان برسد.

س: برای عصبانیت چه ذکر خوب است؟

ج: لا اله الا الله.

س: رابطه شاگرد با استاد چگونه باید باشد؟

ج: مثل عبد و غلام در برابر مولا.

س: شما با مرحوم قاضی این طور بودید؟

ج: بله.

س: از آثار نماز شب چیست؟

ج: نورانیت و روحانیت مرحوم قاضی سفارش می کردند.

س: برای ادای قرض چه دعائی بخوانیم؟

ج: یا من یکفی من کل شی و لایکفی من الشی اکفی ما اهمنی. (145)

151- همه در تسبیح و من به غفلت (یک اهل دل)

یاد دارم که شبی در کاروان همه شب رفته بودم و سحر در کنار بیشه ای خفته. شوریده ای که در آن سفر همراه ما بود، نعره ای بر آورد و راه بیابان گرفت و یک نفس آرام نیافت. چون روز شد گفتمش:

آن چه حالت بود. گفت: بلبلان را دیدم که بنالش در آمده بودند از درخت و کبکان از کوه، و غوکان در آب و بهایم از بیشه اندیشه کردم که مروت نباشد همه در تسبیح و من به غفلت خفته (146).

152- پاداش نماز صبح و عشا (پیامبر اسلام ﷺ)

پیامبر اسلام ﷺ برای نماز صبح با جماعت، وارد مسجد شد. پس از نماز به پشت سر نگاه کرد و دید عده ای از مسلمین برای نماز نیامده اند. نام آن ها را به زبان آورد و فرمود:
آیا این افراد در نماز شرکت نمودند؟
حاضران عرض کردند: «نه».

فرمود: «آگاه باشید بر افراد منافق نمازی سخت تر از نماز عشا و نماز صبح نیست. اگر پاداش بسیار نماز صبح و عشا را با جماعت در می یافتند - گرچه چهار دست و پا، مانند راه رفتن کودکان شیر خوار باشد - خود را به جماعت می رساندند (147).»

153- من از نماز سیر نمی شوم (رسول اکرم ﷺ)

صدای اذان برای رسول الله ﷺ چنان جاذبه داشت و نشاط می آورد، که هنگام اذان، به بلال می فرمود:

«ما را از غم و اندوه تلخی رهایی بخش!»

هر گاه وقت نماز می رسید، گویی کسی را نمی شناخت و حال معنوی خاصی پیدا می کرد. حضرت می فرمود: «گرسنه از غذا سیر و تشنه از آب، سیراب می شود، ولی من از نماز، سیر نمی شوم (148).»

154- در شبانه روز هزار رکعت نماز امام رضا علیه السلام

در سفینه البحار روایت شده است که خواجه اباصلت هروی می گوید:

به سرخس مسافرت کردم، و در آن جا به طرف زندان رفتم تا اجازه بگیرم و به حضور امام رضا علیه السلام که در حبس بود برسم و احوالپرسی کنم. زندانبان ها اجازه ندادند و گفتند: هیچ راهی نیست. گفتم: چرا؟ گفتند: چون امام در بسیاری اوقات، در شبانه روز هزار رکعت نماز می خواند. فقط ساعتی در اول روز و قبل از ظهر و هنگام غروب، در محل نمازش می نشیند و با خداوند سبحان مناجات می کند ⁽¹⁴⁹⁾.

155- عبادت (آیت الله العظمی گلپایگانی)

در کتاب «نوری از ملکوت» که درباره زندگی این مرد الهی؛ از زبان فرزندش می فرماید: از نظر عبادت و توجه به ذات اقدس الهی در مرحله ای بود که دائما با قرآن انس داشتند و غالبا روزی دو سه جزء قرآن می خواندند و هنگام خواندن قرآن حالت خاصی داشتند که ما به حال ایشان غبطه می خوردیم در طول زندگیشان نماز شب ایشان ترک نشد همیشه قبل از اذان صبح بیدار بودند شاید حدود هفتاد سال ایشان موفق بودند که پیش از نماز صبح به حرم مشرف شوند و نماز صبح رابه جماعت در حرم بخوانند ⁽¹⁵⁰⁾.

156- شب زنده داری (آیت الله العظمی گلپایگانی)

آیت الله کریمی جهرمی (داماد داماد آقا) که افتخار شاگردی معظم له را دارند در مورد عبادت و تهجد و شب زنده داری معظم له می نویسد: آن مرجع بزرگ از اهل عبادت و تهجد بود و به واجبات و مستحبات اهتمام می ورزید. شب زنده داری و تهجد او و گریه ها و اشکهای جاری او و تلاوت قرآن و دعاهای مختلف او ترک نمی شد و نیز تقید به گفتن اذان داشتند و صدای مبارکشان به هنگام طلوع فجر به اذان بلند می شد. این جانب خود کرارا صدای مبارکشان را که به هنگام طلوع فجر و سفیده صبح بلند بود شنیدم و بلند

اذان می گفتند و چه قدر اذان آن بزرگوار به هنگام صبح، طنین جذابی داشت
(151)

157- با حبیب چه خواهی کرد؟ (ملا حبیب الله شریف کاشانی)

یکی از نوادگان⁽¹⁵²⁾ ایشان از برخی افراد کهنسال که افتخار ملاقات ایشان را داشته نقل می کرده که شبی قبل از اذان صبح وارد مسجد شدم دیدم آقا ملاحبیب الله مشغول مناجات است و سر خود را برهنه کرده و با خدا راز و نیاز می کند. گویی با کسی زمزمه ای داشت! خوب گوش کردم این را شنیدم که گفت: خدایا عاقبت با حبیب چه خواهی کرد؟

زمزمه اش یاد آوری شکوه های امام سجاد علیه السلام بود. کاهش می دانستم آیا مادرم مرا، برای سرانجامی سراسر بدبختی زاده است یا برای رنج پرورده است ای کاش مرا نزاده و تربیت نکرده بود!⁽¹⁵³⁾

158- در سجاده عبادت و بندگی (حضرت آیت الله محمدی لائینی)

فرزند معظم له حضرت حجت الاسلام و المسلمین محمد باقر محمدی لائینی درباره رمز موفقیت و سفارشات ایشان بیان می کند:

او تهجد و شب زنده داری؛ این مستحب با ارزش را بسیار سفارش می نمود و با مناجات وقت سحر و خلوت با خدای سبحان و تفکر در آیات، وجود خویش را نورانی و شب ظلمانی را به روز روشن تبدیل می کرد.

بعد از نماز شب و اقامه نماز صبح، تعقیبات را تا نزدیک طلوع خورشید ادامه می داد.

او بسیار مقید به اقامه نماز جماعت در مسجد بود حتی در زمان بیماری. اگر برایشان ممکن بود در شرائط نامساعد هم حاضر به ترک نماز جماعت در مسجد نمی شد.

او تندیس اخلاص بود. در حدیث قدسی وارد شده است که خداوند جل و علا می فرماید: اخلاص سر من اسراری استودعه قلب من احبه من عبادی. اخلاص سری از اسرار من است که آن را فقط در قلب بندگان محبوبیم قرار می دهیم.

معظم له محبوب خدا بود و از این موهبت الهی حظ وافری داشت. ایشان ایمان واقعی به نماز داشت و پی به عظمت و اسرار آن برده بود و حتی در اواخر عمرش درسی را به همه مومنین داد و فرمودند: هر کس درباره من غیبتی یا تهمت می از او سر زده است برای این که از او راضی باشم برایم یک شبانه روز نماز بخواند. و به افرادی که برای رفتن به زیارت عتبات عالیات خدمتش برای خدا حافظی می رسیدند. می فرمود: در آن جا برایم دو رکعت نماز بخوانید.

از ویژگی های فراموش نشدنی ایشان این بود که همیشه مهر مخصوص داشت و دیگران را به آن سفارش می نمود و به قبله شناسی بسیار اهمیت می داد و همیشه قبله نما همراهش بود تا به قبله یابی دقیق بپردازد. هم چنین یکی از اموری که ایشان به همه مومنین مخصوصا طلاب و روحانیون سفارش می کرد قرائت صحیح و درست نماز بود. در میان نمازهای مستحبی؛ به نماز جعفر طیار بسیار اهمیت می داد و دیگران و فرزندان را به آن سفارش می نمود و در تربیت فرزندان روی مسئله نماز توجه و عنایت ویژه ای داشت (154).

159- وسواس در عبادات ممنوع (مرحوم قاضی)

در کتاب «اسوه عارفان»، مرحوم آقای حاج سید هاشم رضوی هندی از تلامذ میرحوم آقای قاضی، می فرمود: روزی یکی را به محضر آقای قاضی آوردند که مثلاً آقا دستش را بگیرد و راهنمایی اش نماید. مرحوم قاضی فرموده بودند: به این آقا بگوئید که نماز را در اول وقت بخواند. بعد معلوم شد که آن آقا وسواس در عبادات داشته و نماز را تا آخر وقت به تاخیر می انداخت.

160- نماز سیر الی الله (حضرت آیت الله العظمی ایازی)

حضرت استاد دریاباری، درباره نماز حضرت آیت الله العظمی ایازی (رض) می فرماید: روح این مرد الهی هنگام نماز سیر الی الله داشت، فناء لله بود. نمازش را بسیار نیکو می خواند و نماز شبش ترک نمی شد و هنگام نماز تمامی مستحبات را رعایت می کرد و زندگی بسیار زاهدانه داشت و تمام حرکات معظم له برای ما درس بود. ⁽¹⁵⁵⁾ «

شرح حال حضرت آیت الله العظمی ایازی (ره)

زادگاه حضرت آیت الله العظمی ایازی (ره) مازندرانی شهر رستم کلا (حد فاصل بهشهر و نکا) است. ایشان در سال 1310 هجری شمسی در شهر رستم کلا، در خانه ای که با گلهای عطرآگین ایمان و اخلاص و روشنایی علم و عمل آذین بندی شده بود چشم به جهان گشود و صدای کودکی به فضای خانه قدیمی و بی آرایش، کانون پر مهر و محبت خانواده، صفایی تازه بخشید، نوازادی که با گریه های کودکانه گوش والدین خود را نوازش می داد و مادر چون نسیم؛ فرزند خویش را به سینه فشرد در حالی که گلاب اشکش روی گونه نوازاد می

چکید و کودک با نگاههای معصومانه دل مهربان والدین را سرشار از امید می نمود.

ستاره ای به خانه کوچک شیخ حیدر قدم نهاد.

پدر او را «ابوالحسن» نامید تا با انتخاب این نام یاد خاندان پیامبر ﷺ «علی» و «حسن» در لحظه لحظه ی زندگی وی تجدید گردد.

نوگل گلستان پدر

خنده های شیرین و نگاههای معصومانه ابوالحسن همه اهل خانه را شیفته خود ساخته بود، او آرام آرام گامهای کوچک اش را روی خاک رستم کلامی گذاشت و راه می رفت، زمین به خودش می بالید که ابوالحسن بر روی آنها قدم می گذارد.

نوگل گلستان پدر؛ در آغوش مادری مهربان و پاکدامن و پدری ارزشمند، پرورش یافت و روزهای شیرین کودکی را یکی پس از دیگری، پشت سر گذاشت و بالاجبار روانه مدرسه شد و دوران ابتدایی را با هوش سرشارش گذراند.

استعداد درخشان ابوالحسن از همان آغاز، پدر بزرگوارش را بر آن داشت تا بعد از دوران ابتدایی؛ برای کسب علوم و معارف و تربیت اسلامی تحت اشراف مرحوم حضرت آیت الله العظمی کوهستانی قرار دهد.

در خصوص همین مسئله فرزندش حجه الاسلام و المسلمین محمد جواد ایازی مسئول مدرسه جعفریه رستم کلامی گوید:

آیت الله ایازی دوران طلبگی خود را از حوزه کوهستان شروع کردند و از نظر علمی و عملی بهره بردند و همین امر موجب شده بود که در طول دوران تحصیل همواره تحت اشراف مرحوم آیت الله کوهستانی باشند.

در محضر استاد

علاوه بر اراده قوی و محکم، و تلاش وافر و خستگی ناپذیر معظم له در راه کسب و تحصیل دانش، اساتید ارزشمندی هم در شخصیت علمی و اخلاقی او نقش اساسی داشتند استاد هم چون شمع می سوخت و می ساخت و پروانه وار شاگرد را دور خود می کشاند و عشق به سوختن را به او می آموخت. معظم له از خرمن دانش استادی بزرگ چون حضرت آیت الله العظمی کوهستانی (ره) در حوزه علمیه کوهستان خوشه ها چید و بیشترین بهره اخلاقی و عرفانی را از محضر این عالم الهی برد و ایشان به استادش عشق می ورزید و در مقابل عظمت او زانوی ادب بر زمین می زد.

شوق هجرت به قم

پس از کسب علم و عمل از محضر استادش آیت الله العظمی کوهستانی (ره)، شوق هجرت به حوزه علمیه قم که هم چون کوثری گوارا تشنگان عشق به تحصیل و معارف الهی را به سوی خود می کشید. در وجود معظم له مشتعل شد. همزمان با مرجعیت و زعامت فقیه اهل بیت علیهم السلام حضرت آیت الله العظمی بروجردی (ره) بر جهان تشیع؛ معظم له وارد حوزه علمیه قم شدند و از استادانی چون آیت الله میرزا مهدی مازندرانی امیر کلایی و آیت الله سلطانی و علامه طباطبایی و آیت الله العظمی بروجردی بهره فراوان بردند.

فرزندش حجه الاسلام و المسلمین محمد جواد ایازی در خصوص استادان معظم له می گوید:

ایشان وارد حوزه علمیه قم شده و در آنجا رسائل و مکاسب را نزد آیت الله میرزا مهدی امیر کلایی فرا گرفتند و کفایتین را خدمت آیت الله سلطانی آموختند، منظومه را از محضر مرحوم آیت الله سیدرضا صدر استفاده کردند،

تفسیر را هم نزد مرحوم علامه طباطبایی بهره بردند و چندین سال در درس خارج آیت الله بروجردی شرکت کردند.

ایشان در سال هایی که در حوزه علمیه قم حضور داشتند از خرمن دانش این بزرگواران که هر کدام از ستاره های درخشان آسمان فقاقت بشمار می رفتند، خوشه خوشه علم و ایمان می چید.

هجرت به نجف اشرف

آیت الله العظمی ایازی (ره) دانشمند و حکیم فرزانه، الگو و اسوه کامل زهد و تقوی، پس از سالها (حدود 12 سال) از چشمه دانش اهل بیت علیهم السلام در قم؛ استفاده کرده و با توجه به علاقه ای که به بارگاه ملکوتی امیر المومنین علی علیه السلام و حوزه علمیه نجف داشت به زیارت آن حضرت و کسب علم شتافت.

سفره وجودشان را گشودند و متوسل به خورشید ولایت امیر المومنین علی علیه السلام شدند و بیش از 8 سال در آنجا اقامت گزیدند و از محضر اساتید بزرگ کسب فیض نموده اند. فرزندش حجه الاسلام و المسلمین محمد جواد ایازی در خصوص اساتید معظم له در حوزه علمیه نجف می گوید: «به حوزه علمیه نجف هجرت کرده و بیش از 8 سال در آنجا اقامت داشتند در آنجا هم از محضر اساتید بزرگ بهره بردند از جمله در درس اصول مرحوم آیت الله میرزا باقر زنجانی شرکت کردند و تمام درسهای ایشان را به رشته تحریر در آوردند.

دوره فقه معاملی را خدمت آیت الله میرزا هاشم آملی گذراندند و مباحث ایشان را هم تحریر نمودند که آماده طبع است در درس فقه مرحوم آیت الله سید محمود شاهرودی و آیت الله حکیم هم شرکت می کردند و در ایام فراغت هم قواعد فقهیه را خدمت آیت الله میرزا حسن بهیدین می آموختند. هم چنین در درس مرحوم میرزا حسن حلی و میرزا حسن یزدی نیز شرکت می کردند.

بر قله اجتهاد

معظم له با استفاده از محضر فرزندان علم و فقهای شیعه در حوزه علمیه نجف، در سی سالگی بر بلندای قله اجتهاد رسید.

فرزندش حجه الاسلام و المسلمین محمد جواد ایازی می گوید:
از بسیاری از علما و بزرگان همچون حضرات آیات زنجانی، حلی و آملی اجازه اجتهاد دارند.

به حق او، محقق و فقیهی یرتلاش، و عالمی عامل و با ارزش، حکیمی دانا و عارف و عابدی زنده دل و عاشقی دلباخته بود و از خوان گسترده اهل بیت علیهم السلام و دانشمندان فرزانه و فقهای شیعه به بهترین وجه پذیرایی گردید. و کام تشنه روحش را با شراب طهور علم سیراب نمود و مشام جانش را با عطر دل انگیز دانش نوازش داد.

بازگشت به وطن

ولینذروا قومهم اذا رجعوا الیهم لعلهم یحذرون.

معظم له پس از رسیدن به درجه اجتهاد و مدارج عالی علمی در سن سی سالگی، بنا به درخواست مکرر مردم از پیشگاه حضرت آیت الله العظمی کوهستانی (ره)؛ و درخواست معظم له از محضر مبارک آیت الله العظمی شاهرودی؛ مبنی بر عزیمت حضرت آیت الله العظمی ایازی از حوزه علمیه نجف به زادگاهش رستم کلا برگشت. چرا که وی هم چون شجره طیبه ای است که هم اکنون به بار نشسته و از میوه آن دیگران بایستی بهره کافی ببرند و مومنین و علاقه مندان زادگاهش از وجود با برکت وی بهره مند شوند و به آیه شریفه (توبه آیه 122) فوق جامه عمل پوشد.

استاد به دیدار شاگرد می آید

معظم له زمانی که در پائیز سال 1341 هجری و شمسی برای خدمات علمی و اخلاقی به وطنش برگشت. استاد عظیم الشان او، حضرت آیت الله العظمی کوهستانی پس از سالها دوری، شیرینی این دیدار را می چشید. استاد؛ لب به سخن گشود و یک سری مسائل اخلاقی، اجتماعی... که بیش از بیست سال با آنها سر و کار داشت را به شاگردان انتقال داد و به او فرمود:

«از آن جا که دوران کهولت را سپری می نمایم، همواره نگران تداوم نیافتن تلاش ده ها ساله خویش در امر اداره حوزه علمیه و تربیت طلاب بودم. و این نگرانی را داشتم که مبدا این مهم پس از حیات من به زمین بماند، و شخصیتی، متکفل اداره آن نشود. لیکن اینک پس از مراجعت شما از نجف اشرف و شایستگی هایی که در شما سراغ دارم، خاطر من آسوده گردید. و خوش وقتم که این مهم با جدیت و تلاش شما، ادامه خواهد یافت.»

میراث ماندگار تاسیس حوزه علمیه جعفریه رستم کلا

بعد از این که معظم له برای خدمات علمی و فرهنگی به وطنش بر می گردد در اولین فرصت حوزه علمیه ای به نام «جعفریه» تاسیس می کند شکوه و عظمت حوزه علمیه جعفریه از آغاز تا به امروز - که حدود 40 سال از شکل گیری آن می گذرد - هر سال چشمگیرتر از گذشته در عرصه های مختلف، نمود داشته است. در رشته های اعتقادات، ادبیات، فقه و اصول و تفسیر پاسخگوی نیازهای اجتماعی و فکری جامعه نیز بوده هست و در این راه شاگردان ممتازی را در دامن خود پرورانده است.

در جزوه ی که در ارتحال عالم ربانی تحت عنوان «بیم یارستن» منتشر شده

می نویسد:

تاسیس حوزه علمیه عالی ترین عملی بود که انجام آن می باید لازم الاجرا و سرلوحه کارها قرار گیرد. آن هم در محیطی که سالها زیر بمباران تبلیغات ضد اسلامی رژیم از یک طرف و جولانگاه افکار چپاولگرانه از طرف دیگر، در صدد رکود فعالیت‌های دینی و حتی به تعطیلی کشاندن آن نیز در برخی از نقاط استان اقدام شده، و مانعی در سر راه و سدی در مقابل اجرای آن بوده اند.

با همه این احوال که هر یک از موانع، خنثی کننده اقدامات این نیت خیر خواهانه بود، این تفکر توانا که در راس عملش (توکلت علی الله) قرار داشت، توانست هر یک از سدها را به راحتی بشکند و به تاسیس حوزه، دست زند. که نه تنها، نیم نگاهی در تعجب این تاسیس نبود، بلکه تا این تاریخ (1380) به ستون استوار چهل ساله خود، هر چه قوی تر و غنی تر، تکیه زده است. و در این راستا از زمان بالغ بر هزاران نفر از علما، فضلا و طلاب گرانمایه به مصداق «فیه رجال یحبون ان یتطهروا» به بهروری از فیوضات علمی و عملی این عالم ربانی، تزکیه و تهذیب و تعلیم و تعلم پرداخته اند. «

حوزه علمیه جعفریه هم اکنون بطور شبانه روزی فعال می باشد و فرزندش حجت الاسلام و المسلمین محمد جواد ایازی با همان دقت و ظرافت خاص پدر بزرگوارش به مسائل درسی، و معنوی و تربیتی طلاب علوم دینی، عنایت دارند و هم اکنون نهال های پر طراوت آن بوستان با دستان باغبانی دلسوز (پسر)؛ مثل پدر، به راه خود ادامه می دهد چنانکه طلاب علوم دینی حرکات آقا، را درسی گویا و پندی رسا می دانستند هم اکنون در این اندیشه اند که در کنار فرزندش، و یادگار او در همان سنگر، تحصیل را ادامه دهند. انشاء الله.

غروب آفتاب

در روز یکشنبه دوم محرم الحرام سال 1423 هجری و قمری سرانجام آفتاب زندگی انسان وارسته و مجتهد سخت کوش، عارف مخلص، فقیه صمدانی، مسلمان عصر، حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ ابوالحسن ایازی (ره) غروب کرد و در سن هفتاد سالگی دعوت حق را لبیک گفت و دیدار معبودش را با جان و دل پذیرا گشت.

افول این خورشید، انفجاری در دل‌های مومنین پدید آورد که کوچکترین نمودش، جاری شدن سیلاب اشکها بود.

آفتابی غروب کرد، غروبی که به دنبال خود آنچه به دل می ریزد اندوه است و اندوه! من خود شاهد غروب آفتاب، از ساحل دریا بوده ام.

من در ساحل خورشیدی را دیدم که پس از هفتاد سال طلوع خود، غروب کرد؛ ولی شعاع نورانی این خورشید بر دل‌های طلاب و مریدانش می تابد.

من شاهد اوج و عروجی بودم بس زیبا؛ اوج و عروج یک روح بزرگ و بلند، یک روح لطیف و پاک، روحی که با شکسته شدن قفس تن، تا اوج افلاک و عرش خدا پرکشید. او گرچه در قفس دنیا می زیست اما در فضای بهشت تنفس می کرد، چرا که تمام لحظه های عمرش را با کلام اهل بیت علیهم السلام سپری کرده بود.

برای ما خاکیان رهیدن از خاک تازگی دارد. برای کسی چون ایازی (ره) که هیچگاه وابسته به خاک نشد، مرزی به نام خاک، وجود نداشت.

ما از بهشت می گوئیم ولی او در این دنیا به بهشت رسیده بود.

او در انتظار رفتن، روزها را سپری کرد، رفتن و رهیدن از این خاکدان برای او همانند بیرون آمدن از اتاقی به اتاق دیگر بود، با این تفاوت که در اتاقی همه

عمرش بوی عطر پیغمبر ﷺ، علی علیه السلام و خاندانش را در لابلای احادیث
استشمام می کرد و در اتاقی دیگر به زیارت گل های بوستان اهل بیت علیهم السلام می
رسید.

رفتنی به این آرامی!

چه روزی بود؟

دانشمند فقیه در بستر بیماری افتاد.

همه دعا می کردیم تا حالش بهتر و دوباره از سخنان شیرین و پرارزش او
بهره ببریم.

استاد الگو و سرمشق زندگی ما بود.

ما طلبه ها از نشست و برخاست استاد با مردم، راه چگونه زیستن را می
آموزیم.

هر کس به سویی می رفتند.

اما ناراحت.

خیلی شتابان و با عجله راه می پیمودند.

آیا آن چه را شنیده ایم، درست است؟

خدا نکند!

نمی خواستیم باور کنیم که استاد عزیزی را از دست دادیم.

دریای وجودم خروشان بود؛ در تلاطم عجیبی بودم.

به رستم کلا رفتم، نزدیک درب مدرسه جعفریه رسیدم.

شلوغ بود.

تپش قلبم تندتر شد.

صدای ناله و ضجهای طلاب بلند بود.

بر زمین میخ کوب شدم.
بعد از چند لحظه به خودم آمدم.
چند قدمی هم جلوتر رفتم...
دیدم ؛ عده ای بر سر و صورت می زنند و اشک می ریزند.
عده ای هم سر به دیوار گذاشته زار زار می گریند.
بلی ؛ آن چه شنیده بودم صحیح بود.
«انالله و انا الیه راجعون»
وداع (بگذار تا بگیریم)

به راستی علامه بزرگوار ایازی (ره) از میان مردم رفته بود؟
اما هنوز باورش مشکل بود. با اعلام سه روز عزای عمومی در استان عالم
پرور مازندران در اولین ساعات بامداد روز سه شنبه 28 / اسفند 1380
مصادف با چهارم محرم الحرام 1423 هجری شمسی دو روز بعد از ارتحال
علامه ایازی (ره) نزدیک به صد هزار از مردم قدرشناس استان مازندران ناله
کنان در حالیکه عزادار بودند بر سر و صورت می زدند اشک ریزان در اطراف
بیمارستان امام خمینی (ره) بهشهر گرد آمدند تا با او در لحظات آخرین وداع
کنند.

تشیع جنازه سه ساعت پس از طلوع فجر آغاز شد. همه گریان بودند.
خورشید از پس پرده ابرها نیم نگاهی به زمین می انداخت تمام شهر سیاه
پوشیده بود.

انبوه شاگردان و مردم قدرشناس جنازه او را بر دوش داشتند.
صدای شیون و فریاد از خیابانهای شهر بلند بود دوست و دشمن در سوگ او
اشک می ریختند.

شیعه و سنی در ماتم جانسوز علامه ؛ رخت سیاه پوشیده بودند در حالی که پیکر مطهر عالم ربانی را مردم روی دستهایشان حرکت می دادند، سیل جمعیت خروشان و ماتم زده شعار می دادند:

عزا عزاست امروز، روز عزاست امروز مهدی صاحب زمان، صاحب عزاست امروز.

حدوداً ساعت 10/5 صبح پیکر پاک آیه زهد و اخلاص به پارک ملت بهشهر رسید و بر پیکر مطهر آن توسط فرزندش حجت الاسلام و المسلمین محمد جواد ایازی اقامه نماز شد و پیکر مطهر علامه، در میان باران اشک مردم استان مازندران از بهشهر تا رستم کلا با پای پیاده با نهایت تجلیل و احترام تشیع گردید و در حیاط حوزه علمیه جعفریه رستم کلا به خاک سپرده شد.

هم اکنون قبر شریفش زیارتگاه خاص و عام به خصوص حاجتمندان است. مداومت کردن به زیارت قبر او، و استمداد از روح پاک او برای انجام مقاصد، و بر آورده شدن حاجت بسیار مجرب و آموزنده است.

فقدان آن عارف الهی، حوزه های علمیه و جهان تشیع را سوگوار ساخت و مسلمانان و مومنین را در اندوه و ماتم فرو برد. و جامعه روحانیت و حوزه های علمیه، و محصلان مکتب اهل بیت علیهم السلام را در عزای خود داغدار ساخت. تغمده الله بغفرانه و اسکنه بحبوحات جنانه. انشاء الله.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

شمسی 1381/1/29

قم: حسن صدری مازندرانی

پی نوشت ها :

- 1- سلوک معنوی، ص 120، مصاحبه ها
- 2- فریادگر توحید، ص 182
- 3- فریادگر توحید، ص 116.
- 4- فریادگر توحید، ص 182
- 5- فریادگر توحید، ص 170
- 6- داستان های عارفانه، ص 52.
- 7- سیمای فرزندگان، ج 1، ص 214
- 8- اسرار الصلوه - ص 293
- 9- فریادگر توحید، ص 160.
- 10- داستان های نماز، ص 106.
- 11- سخنرانی در نهمین اجلاس سراسری نماز.
- 12- پا به پای آفتاب ج 3، ص 281.
- 13- سرگذشت های ویژه از زندگی امام خمینی. ص 66.
- 14- نماز و قیامت بهجت عارفین. ص 223.
- 15- سیمای فرزندگان، ج 1، ص 221.
- 16- فریادگر توحید، ص 183.
- 17- فریادگر توحید، ص 184.
- 18- فریادگر توحید، ص 186.
- 19- فریادگر توحید، ص 180.
- 20- بحار، ج 82، ص 308، روایت، 9.
- 21- فریادگر توحید، ص 183.
- 22- داستان های نماز، ص 80.
- 23- بحار، ج 83، ص 9.
- 24- حدیث پارسایی، رضا مظفری، ص 58.
- 25- نقباء البشر، شیخ آقا بزرگ تهرانی، ج 1، ص 359.
- 26- زندگانی و شخصیت شیخ انصاری، ص 263.

- 27- سفینه البحار، ج 2، ص 44.
- 28- سیاحت شرق، ص 198.
- 29- سیمای فرزندگان ج 1، ص 230.
- 30- سیمای فرزندگان، ج 1 ص 230.
- 31- نماز اول وقت، رجایی خراسانی، ص 190
- 32- روزنامه جمهوری اسلامی 68/3/2.
- 33- حکایت های شنیدنی، ج 5، ص 62.
- 34- جلوه های ربانی، ص 108.
- 35- انسان در عرف عرفان، واقعه 21، ص 43.
- 36- گنجینه ی دانشمندان، ج 1 - ص 233 و 232.
- 37- مهر تابان، بخش نخست، ص 19 -
- 38- کیهان، 68 / 6 / 20.
- 39- دیدار با ابرار - شهید مدنی جلوه اخلاص - خاطره از آقای بروجردی، ص 38.
- 40- کیهان - 68 / 6 / 20 مجله عروه الوثقی، شماره 82.
- 41- روزنامه جمهوری اسلامی، 61 / 6 / 18 ویژه نامه آیت الله مدنی.
- 42- یادواره شهید محراب آیت الله مدنی ص 51
- 43- کیهان - 68 / 6 / 20.
- 44- زندگانی شیخ مرتضی انصاری، و مردان علم در میدان عمل، ص 206.
- 45- زندگانی شیخ مرتضی انصاری، و مردان علم در میدان عمل، ص 206.
- 46- داستان های عارفانه، ص 61.
- 47- زندگانی شیخ مرتضی انصاری، و مردان علم در میدان عمل، ص 58.
- 48- داستان های عارفانه، ص 55.
- 49- داستان های عارفانه، ص 52.
- 50- انسان در عرف عرفان.
- 51- داستان های عارفانه، ص 32.
- 52- داستان های عارفانه، ص 51.
- 53- بر قله پارسایی، ص 98.
- 54- بر قله ی پارسایی، ص 100.

- 55- برقله ی پارسایی، ص 95.
- 56- کیمیای محبت، ص 222 نقل شده در کتاب برقله ی پارسایی، ص 95.
- 57- برقله ی پارسایی، ص 98.
- 58- یکی از عمال رژیم پهلوی در خراسان.
- 59- داستان های عارفانه، ص 20.
- 60- داستان های عارفانه، ص 23.
- 61- نشان از بی نشان ها ص 425.
- 62- نشان از بی نشان ها، ص 425.
- 63- نشان از بی نشان ها، ص 31.
- 64- نشان از بی نشان ها ص 31.
- 65- نشان از بی نشان ها، ص 24.
- 66- نشان از بی نشان ها، ص 16.
- 67- نشان از بی نشان ها، ص 57.
- 68- آیت حق (شرح حال عالم ربانی حضرت آیت الله طبرسی مازندرانی، ابوالقاسم طاهری، ص 76.
- 69- زی طلبگی، ص 122.
- 70- سیری در نهج البلاغه، ص 12.
- 71- سیرت رسول الله، ص 124.
- 72- داستان هایی از زندگی پیغمبر ما، ص 121، 122.
- 73- ارشاد قلوب، ج 2، ص 66، (باب 30)
- 74- سیمای فرزندگان، ج 3، ص 170.
- 75- طهارت روح، ص 383.
- 76- شیخ آقا بزرگ ص 7.
- 77- ترجمه الصلوه، ص 56.
- 78- طهارت روح، ص 378.
- 79- سیمای عبادالرحمن در قرآن، ص 61 نقل شده در: هزار و یک نکته درباره نماز.
- 80- شب مردان خدا، ص 39.
- 81- ارزش و اهمیت نماز، ص 52 نقل شده از: هزار یک نکته درباره نماز، ص 198.

- 82- الهی نامه، حضرت علامه حسن زاده آملی، ص 47.
- 83- روزنامه کیهان، تاریخ 17 / 9 / 73.
- 84- سیمای فرزندگان، ج 3، ص 161.
- 85- من لا یحضره الفقیه، ج 1 ص 211.
- 86- هزار و یک نکته، ص 190، 375.
- 87- هزار و یک نکته درباره نماز، ص 126.
- 88- داستان های نماز، ص 77.
- 89- داستان های نماز، ص 77.
- 90- اسرار نماز، ص 84.
- 91- پادشه خوبان، موسوی مطلق، ص 149.
- 92- پادشه خوبان، ص 134.
- 93- حدیث پارسایی، شرح احوال میرزا حبیب الله رشتی، ص 73.
- 94- حدیث پارسایی، شرح احوال میرزا حبیب الله رشتی، ص 58.
- 95- تاریخ ابن خلکان، قطع بزرگ، ص 167.
- 96- نماز سرود ایمان، ص 33.
- 97- حکایات برگزیده، ص 59.
- 98- روضات الجنات، ص 366.
- 99- بحار الانوار، ج 3 ص 86.
- 100- جامع الاحادیث، ج 2، ص 254، ح 67.
- 101- تندیس پارسائی

شرح حال عالم ربانی، فقیه صمدانی حضرت آیت الله رحمانی خلیلی مازندرانی

- آن چه پیش رو دارید، گذری است بس کوتاه بر گلشن زندگانی یکی از برگزیدگان یار و
مجدوبان جمال دلدار. گرچه گذر زمان و گمنامی، کمتر نشانی از آن بی نشان به جای گذارده
است لیک عنایتی و توفیق شامل این حقیر گردید که از زندگانی شیخ عارف و زاهد به رشته
تحریر در آورم تا شاید نفوس مستعد را فایده‌ای به هم رسد و سالکان الی الله را وجد و حالی
حاصل آید و احیای نامی از آفتاب چنین درخشان گزیده شود. خدای سبحان در سوره قلم، آیه 5
می فرماید:

«فاجتبه فجعله من الصالحین» و پروردگارش او را برگزید و از صالحانش قرار داد.

میلاد سبز

شیخ عارف، زاهد بارع، فقیه و پارسا، حضرت آیت الله شیخ ابوالقاسم رحمانی مازندرانی -
قدس سره الربانی - به سال 1302 شمسی (1342- ق) در قریه خلیل محله بهشهری دیده بر
خاک تیره جهان گشود. و با عنایت پروردگارش این خاک تیره را به شرف سجده های خویش
منور کرد و محل عروج بر افلاک ساخت.

نیاکان نیکنام

پدر بزرگوارش مرحوم آیت الله شیخ محمد باقر هزار جریبی مازندرانی - از علمای به نام و
مشهور بهشهر و نواحی - فرزند علامه آیت الله محمد حسین هزار جریبی از شاگردان مرحوم شیخ
اعظم انصاری (رض) فرزند آقا شیخ محمد کاظم بن علامه بزرگوار شیخ محمد علی (م 1245 ق)
فرزند علامه سترگ آیت الله شیخ محمد باقر هزار جریبی مازندرانی نجفی (1205 ق) استاد سید
بحرالعلوم، شیخ جعفر کاشف الغطا و میرزای قمی بوده است که سابقه سیصد سال روحانیت و
ریاست و مرجعیت شیعه را بر عهده داشته اند. با این سابقه ؛ نیک مردان، آرزومند فرزند نیک
اند. می خواهند ثمره زندگی شان بلند مرتبه و سرفراز گردد تا به او ببالند و بعد از خود، یادگاری
صالح بر جا گذارند.

شیخ ابوالقاسم رحمانی خلیلی، مردی از خطه سرسبز استان مازندران، همان یادگار صالح پدر
بود.

به دنبال دانش

فقید سعید در سن 12 سالگی برای فراگیری علوم اهل بیت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به حوزه علمیه مرحوم آیت
الله کوهستانی کوچید و بعد از فراگیری رسائل و مکاسب نزد حضرت آیت الله کوهستانی هر چه
توانست بر توشه دانش خود افزود. ایشان طلبه سخت کوش، شب ها و روزها را از پی هم به
تحصیل دانش و معارف معنوی سیری کرد.

حدیث هجرت، تشرف به عتبات عالیات

حوزه علمیه کوهستان بهشهر با همه طراوت و پاکیش، سیراب گر جان عطشان (شیخ
ابوالقاسم) نبود لذا تصمیم هجرت به نجف اشرف را گرفت و در سال (1325 ش) در نزد مرحوم
آیت الله حاج میرزا حسن یزدی و شیخ صدرا بادکوبه ای ؛ کفایه الاصول را آموخت و پس از
اتمام سطح به دروس خارج حضرات آیات عظام، سید محسن حکیم، سید محمود شاهرودی، سید
ابوالقاسم موسوی خویی و میرزا هاشم آملی به مدت 12 سال کسب فیض نمود و در سال 1338
ش، با کسب اجازات متعدد اجتهاد به زادگاهش برگشت و آن جا مبادرت به بنیاد حوزه علمیه و

مسجد و حسینیة و در سال 1347 شمسی به تهران مهاجرت کرد و در مسجد شفا به امامت جماعت و در مدرسه چهلستون و مدرسه شیخ عبدالحسین به تدریس مکاسب و کفایه اشتغال ورزید سپس در سال 1364 شمسی به حوزه علمیه قم کوچ نمود و به تدریس خارج فقه و اصول مشغول شد.

عشق به آل الله

فقیه وارسته و عارف فرزانه، عشق به آل الله و ولایت محمد و آل محمد (ص) که مهر قبولی اعمال است، داشت. ایشان شیفته قرآن بود، وارستگی و قناعت، تواضع و فروتنی، متعبد و با تقوا و اورع بود. و روزانه به ادکار و آورد بسیار به ویژه زیارت عاشورا و استغفار می پرداخت و برای تهذیب نفس چندین بار چله نشست. به طوری که در نوشتجاتی که در دست فرزندش احمد آقا موجود است مؤید این چله های با ارزش است.

آثار و تالیفات

تالیفات معظم له 1- تفسیر سوره حمد 2- علم نحو 3- رساله فی المشتق 4- شرح اجتهاد و تقلید عروه الوثقی 5- شرح تبصره المتعلمین علامه حلی می باشد.

آخرین لحظه، زیباترین اندرز

حالات قله نشینان عشق الهی را تنها قله نشینان معرفت الهی می دانند، آن های که به ندای سروش عشق لبیک گفتند سختی های راه را بر خود هموار کردند و خدای حکیم و مهربان را در دل خود یافتند.

آیت الله رحمانی مازندرانی یکی از قله نشینان عشق و معرفت؛ پس از تهجد و نماز صبح به هنگام خواندن زیارت عاشورا در فضای باز در تاریخ یکشنبه 27 / 12 / 1374 (27 شوال المکرم 1416 ق) در سن 72 سالگی بدرود حیات گفت و در روز دوشنبه پس از تشییع، و اقامه نماز بر پیکر معظم له توسط حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی، به زادگاهش منتقل شد و در میان اندوه بسیار مردم و با حضور شخصیت های علمی و مذهبی و اجتماعی در مدرسه ای که خود بنیاد نهاده بود، به خاک سپرده شد. برآستی او از این خاکدان پرگشود و به افلاک سفر کرد.

102- کیمیا نظر، موسوی مطلق، ص 52.

103- مردان علم در میدان عمل، سید نعمت الله حسینی، ص 390.

104- با توجه به این که زنای زن، با این که دسترسی به شوهر دارد، زنای محصنه است، و کيفر آن رجم (سنگسار) می باشد.

105- تفسیر روح المعانی، ج 30، به نقل از فخر رازی ذیل تفسیر سوره و العصر.

- 106- داستان دوستان، ج 1، ص 57.
- 107- اقتباس از معانی الاخبار، شیخ صدوق، ص 11.
- 108- داستان دوستان، ج 3 ص 71.
- 109- مجمع البیان، ج 10، ص 419.
- 110- معانی الاخبار، صدوق، ص 11.
- 111- لهوف، سید بن طاووس، ص 94.
- 112- اسرار الشهاده: ص 423.
- 113- خصائص نسائی، ص 3.
- 114- استعاذه شهید دستغیب، ص 143.
- 115- سیمای فرزندگان: ج 3، ص 164.
- 116- حجه الاسلام و المسلمین شیخ محمد حسین حیدری، نقل شده از کتاب (سیمای زعامت و مرجعیت فقیه صالح) محمد علی صالحی، ص 118.
- 117- حق الیقین، ص 302.
- 118- حجه الاسلام و المسلمین محمد طاهر فارابی، نوه معظم له بنابر درخواست مولف.
- 119- آیینہ صدق و صفا، شرح حال حضرت آیت الله حاج شیخ محمد علی اراکی، استادی، ص 71.
- 120- داستان ها و حکایات نماز.
- 121- کشکول شیخ بهائی، ص 430.
- 122- راز نماز، ص 50.
- 123- بیت الاحزان، محدث قمی، ص 41.
- 124- پرتو سخن، شماره 29.
- 125- خورشید در جبهه، ص 126.
- 126- تفسیر نمونه، ج 9 ص 268.
- 127- ترجمه رساله الحقوق، محمد سپهری، ص 90.
- 128- چهل حدیث، امام را حل، ص 430.
- 129- چهل حدیث، امام راحل، ص 430.
- 130- چهل حدیث، امام راحل، ص 431.
- 131- چهل حدیث، امام راحل، ص 431.

- 132- چهل حدیث، امام راحل، ص 433.
- 133- مناهج الشارعیین، ص 180.
- 134- وسائل الشیعہ، ج 3، ص 479.
- 135- ارزش و اهمیت نماز، ص 57.
- 136- صحیفہ الحسین علیہ السلام، ص 64.
- 137- لطائف الطوائف، ص 41.
- 138- هزار و یک نکته درباره نماز، ص 182. نقل شده در: آثار الاذان فی دارالدنیا، ص 5.
- 139- نماز نشانه حکومت صالحان، ص 101.
- 140- هزار یک نکته درباره نماز، ص 252.
- 141- تفسیر عاملی، ج 1 ص 473.
- 142- در محضر اولیاء، ص 50.
- 143- در محضر اولیاء، ص 35.
- 144- مرقد شریفشان از طرف مقام معظم رهبری در حرم مطهر برای خاک سپاری واگذار شد.
- 145- در محضر اولیاء، ص 25.
- 146- گلستان سعدی، ص 84.
- 147- وسائل الشیعہ، ج 5، ص 378.
- 148- مستدرک وسائل، ج 1 ص 174.
- 149- سفینه البحار، ج 1 ص 28.
- 150- نوری از ملکوت (زندگانی آیت الله العظمی گلپایگانی) ص 132.
- 151- نوری از ملکوت (زندگانی آیت الله العظمی گلپایگانی)، ص 128.
- 152- آقای احمد شریف.
- 153- مناجات خمسہ عشر، مناجات الخائفین، مفاتیح الجنان.
- 154- حجت الاسلام و المسلمین محمد باقر لائینی فرزند حضرت آیت الله محمدی لائینی، بنا بر درخواست مولف.
- 155- گنجی در طبرستان «از طلوع تا غروب»

فهرست مطالب

- مقدمه 2
- 1- حضور قلب در نماز چگونه؟ (آیت الله بهاء الدینی) 4
- 2- نماز لذت است حضرت آیت الله العظمی بهجت 4
- 3- گریه های سید احمد کربلایی از (زبان علامه قاضی) 4
- 4- از نماز لذت می برم (پیر مرد نود ساله) 5
- 5- بسان ائمه (س) نماز می خواند (آیت الله العظمی بهجت) 5
- 6- بسم الله (شیخ انصاری) 5
- 7- مناجات وقت سحر (یکی از اساتید اخلاق) 5
- 8- فقط متعهدین (مرحوم ملکی تبریزی) 6
- 9- مناجات با محبوب (آیت الله العظمی بهجت) 6
- 10- اگر نماز نباشد گیوه باشد! 6
- 11- شما بروید من هم می آیم (امام راحل) 7
- 12- اشک زیاد در نیمه شب (امام راحل) 7
- 13- نماز شب امام راحل در مدرسه دارالشفاء 7
- 14- عرض ارادت به سید الشهداء؛ قبل و بعد از هر نماز (امام راحل) 8
- 15- اول وقت شرعی (امام راحل) 8
- 16- هتل بصره و نماز شب (امام خمینی) 8
- 17- تحت تاثیر شدید نماز امام راحل 8
- 18- تعقیبات نماز صبح (آیت الله العظمی بهجت) 8
- 19- همه چیز تابع نماز (آیت الله العظمی بهجت) 9
- 20- میزان؛ نماز است (آیت الله العظمی بهجت) 9

- 21- انقلاب فکری را ایشان در ما ایجاد کرد (آیت الله العظمی بهجت)..... 9
- 22- نماز بهترین دستور است (آیت الله العظمی بهجت)..... 10
- 23- احترام به نماز (رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ)..... 10
- 24- نجات از آتش (رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ)..... 10
- 25- بیاندیشید (لطیفه)..... 11
- 26- سواره و پیاده، نماز نافله می خواند (میرزا حبیب الله رشتی)..... 11
- 27- نمازهای والدین را سه بار اعاده کرد (میرزا حبیب الله رشتی)..... 11
- 28- قله بر بلندای عرفان (میرزا حبیب الله رشتی)..... 12
- 29- نورانیت نماز اول وقت (امام محمد باقر عَلَيْهِ السَّلَام)..... 12
- 30- عبرت گیرید! (لطیفه)..... 12
- 31- قبله (لطیفه)..... 13
- 32- رمز خاص برای اقامه نماز شب (مرحوم آقا نجفی قوچانی)..... 13
- 33- 2/5 بعد از نیمه شب (استاد شهید مطهری)..... 13
- 34- گریه هنگام نماز شب و تلاوت قرآن (استاد شهید مطهری)..... 14
- 35- خدا مرا به واسطه ی همان یک نماز بخشید (شیخ ارده شیره)..... 14
- 36- وضوی حضرت امام (رض)..... 15
- 37- آرزوی حضرت مریم (س) بعد از مرگ..... 15
- 38- هر کجا وقت نماز رسید (امام راحل)..... 15
- 39- وقت سحر به حال توجه (آیت الله حسن زاده آملی)..... 16
- 40- نماز جماعت با امام عصر (عج) (عارف میرزا جواد آقا ملکی)..... 16
- 41- رنجش حوریه (حضرت علامه طباطبایی)..... 17
- 42- دو رکعت نماز حاجت آیت الله مدنی (رح)..... 17
- 43- من می خواهم از عبادت هایم توبه کنم (آیت الله مدنی)..... 18
- 44- نجوا با خدا در قنوت نماز (آیت الله مدنی)..... 18

- 45- خدایا! من آمدم (آیت الله مدنی) 19
- 46- عشق به امام رضا علیه السلام شهید مدنی 19
- 47- سجاده ی خونین (حضرت آیت الله مدنی) 20
- 48- دو سال نماز و روزه ی استیجاری (شیخ اعظم انصاری) 20
- 49- نمازها را من خودم می خوانم (سید علی دزفولی) 21
- 50- مسجد سهله و اشک روی ریگ ها (شیخ مهدی اصفهانی) 21
- 51- عروج یک رزمنده 22
- 52- یقین ندارم که در خواب هم گناه نکنم (سؤال از عالمی) 22
- 53- سجده طولانی (مرحوم آیت الله کمپانی) 22
- 54- دو رکعت نماز و دعا (آیت الله حسن زاده آملی) 22
- 55- دو توصیه از شیخ حسنعلی نخودکی (رض) 23
- 56- جسارت به شیخ جعفر کاشف بعد از نماز 23
- 57- نماز ایستاده در هنگام بیماری (آیت الله کوهستانی) 23
- 58- تضرع در نیمه شب (آیت الله کوهستانی) 24
- 59- نمازهای طولانی (آیت الله کوهستانی) 24
- 60- سه نفر محو جمال خدا در نماز (یکی از شاگردان رجبعلی خیاط) 25
- 61- نماز اول وقت (آیت الله العظمی کوهستانی) 25
- 62- نماز خالصانه (آیت الله کوهستانی) 25
- 63- اصل ولایت است (آیت الله میرزا آقا ملکی تبریزی) 25
- 64- سوره ی «ص» در نماز وتر (سفارش علامه به علامه) 26
- 65- نماز شب (مرحوم نخودکی) 26
- 66- ذکر وتر نماز شب (امام جعفر صادق علیه السلام) 26
- 67- یک نماز صبحم قضا شد. (مرحوم نخودکی) 27
- 68- سفارش مرحوم نخودکی به فرزندش 27

- 69- سجاده را به خاطر سیادت شما می پذیرم (مرحوم نخودکی)..... 28
- 70- از یمن دعای شب و ورد سحری بود (مرحوم شیخ حسنعلی نخودکی)..... 28
- 71- رفع تنگی معیشت دو نفر (مرحوم نخودکی)..... 28
- 72- تهجد و شب زنده داری (حضرت آیت الله طبرسی)..... 29
- 73- تنظیم ساعت از نماز امام (رض)..... 29
- 74- «قال» یا «حال» (میرزا علی آقا شیرازی)..... 29
- 75- بانگ نماز «رسول الله (ص)»..... 30
- 76- پیامبر برای پیرزن نماز میت خواند..... 30
- 77- از نافرمانی خدا شرم دارم..... 31
- 78- مناجات خمسه عشر در سجده (مرحوم ملا محمد برغانی)..... 31
- 79- نماز شب از سن تکلیف (علامه مطهری)..... 31
- 80- مسجد سهله (شیخ آقا بزرگ)..... 32
- 81- سر رکوع و سجدتین..... 32
- 82- نماز شب علامه مطهری از زبان (مقام معظم رهبری)..... 32
- 83- راه طولانی، زاد و توشه اندک (ابن قاسم عاملی)..... 32
- 84- همه مقامات دینی از شب خیزی هاست (ملاحسینقلی همدانی)..... 32
- 85- سجده های طولانی (علی بن مهزیار)..... 33
- 86- الهی! (علامه حسن زاده)..... 33
- 87- نماز حضرت آیت الله العظمی اراکی (رح)..... 33
- 88- علت مد در الله (مرحوم سید محمد باقر شفقتی)..... 33
- 89- مثل نماز از زبان رسول الله (ص)..... 34
- 90- سوره فاتحه (علامه حسن زاده آملی)..... 34
- 91- هدیه نماز (مرحوم میرزا جواد آقا تهرانی)..... 34
- 92- وضوی (میرزا جواد آقا تهرانی)..... 34

- 93- نماز (میرزا آقا جواد تهرانی) 34
- 94- تاخیر نماز اول وقت و جریمه شخصی (شهید ثانی) 35
- 95- سفارشات حضرت آیت الله نمازی شاهرودی برای تشریف امام عصر (عج) 35
- 96- انگشتر در دست چپ کراحت دارد (شیخ رجبعلی خیاط) 36
- 97- گریه از فراق یار و بیم صحرای محشر (میزار حبیب الله رشتی) 36
- 98- مدام در عبادت (میرزا حبیب الله رشتی) 36
- شیوه حل مشکلات علمی (بوعلی سینا) 37
- جشن تکلیف (سید بن طاووس) 37
- 101- نمازت را بخوان (لطیفه) 38
- 102- از ترس ریا در منزل شیخ بهایی نماز نخواندم (عبدالله شوشتری) 38
- 103- تعطیل شدن حوزه ی درس امام صادق علیه السلام هنگام نماز 38
- 104- خشوع قلب و اندام (حضرت علی علیه السلام) 39
- 105- راز دار خلوت نشین 39
- توصیه عبادی و اخلاقی حضرت آیت الله شیخ ابوالقاسم رحمانی مازندرانی 39
- 106- شیعه شدن زن انگلیسی به برکت نماز امام حسین علیه السلام 40
- 107- نتیجه روضه خواندن (آیت الله مرعشی نجفی) 41
- 108- اهمیت نماز عصر (رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم) 42
- (چرا پریشان هستی و فریاد می زنی؟!) 42
- 109- معنی صحیح «الله اکبر» (امام جعفر صادق علیه السلام) 43
- 110- چهار نمازگزار عیجو (لطیفه) 43
- 111- دین بی خیر (رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم) 44
- 112- معنی سبحان الله (حضرت علی علیه السلام) 45
- 113- امام حسین علیه السلام و مناجات 45
- 114- سه مسلمان در همه دنیا (عفیف کندی) 46

- 115- قضای سی سال نماز (یکی از اهل مسجد) 46
- 116- مناجات ملاصدرا (هانری کرین فرانسوی) 47
- 117- حاضریم تمامی نمازهایم را با آن آه عوض کنم 47
- 118- نماز اول وقت (حضرت آیت الله العظمی صالحی مازندرانی) 48
- 119- سفارش به نماز اول وقت (شیخ محمد مجتهد) 49
- 120- یک منبر مخصوص نماز (آیت الله العظمی اراکی) 49
- 121- قبله کدام طرف هست (لطیفه) 50
- 122- تو بخوان تا من هم بخوانم (لطیفه) 50
- 123- نماز سحرگاهان (ابن جنید) 51
- 124- تعجیل در نماز، یا تاخیر؟ (حسن بصری) 51
- 125- نماز اول وقت (مقام معظم رهبری) 51
- 126- با فریاد بلند اذان بگوید (شهید نواب صفوی) 52
- 127- معراج نماز فاطمه (س) 52
- 128- شب زنده داری (مقام معظم رهبری) 52
- 129- وقت نماز شد گزارش را قطع کنید (مقام معظم رهبری) 53
- 130- ما اگر کاری می کنیم برای نماز است (مقام معظم رهبری) 53
- 131- نمازهای پنجگانه و ریزش گناهان (پیامبر اسلام ﷺ) 53
- 132- حق نماز در کلام امام سجاد علیه السلام 54
- 133- توجه و حضور قلب در نماز (حضرت امامراجل) 54
- 134- نماز امام سجاد علیه السلام و نافله ها 55
- 135- مثل کسی که با نماز وداع کند نماز بخوانید (امام جعفر صادق علیه السلام) 55
- 136- نماز در حالت کسالت و چرت زدن ممنوع (حضرت علی علیه السلام) 55
- 137- دو رکعت نماز با توجه و آمرزش گناهان (امام جعفر صادق علیه السلام) 56
- 138- الله اکبر (رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم) 56

- 139- شرکت در نماز جماعت (حضرت علی علیه السلام) 56
- 140- نقشه شوم و تعبیر نشدنی جاسوس انگلیس 56
- 141- من تو را دوست دارم (امام حسین علیه السلام) 56
- 142- مهریه اندک: ولی ازدواج مهم (امام سجاد علیه السلام) 57
- 143- شفا بیمار و عطا فرزند به واسطه اذان بلند (امام رضا علیه السلام) 57
- 144- مسلمان شدن یک خانم فرانسوی به برکت نماز 57
- 145- شیخ مفید و اقامه نماز 58
- 146- بهشت، یا نماز (ابوبکر شبلی) 58
- 147- ز ورد نیمه شب و درس صبح گاه رسید (مرحوم آیت الله سبزواری) 58
- 148- در محضر بزرگان (مرحوم آیت الله مولوی) 59
- 149- در محضر بزرگان (حضرت استاد دریاباری) 60
- 150- در محضر بزرگان (آیت الله العظمی کشمیری) 60
- 151- همه در تسییح و من به غفلت (یک اهل دل) 62
- 152- پاداش نماز صبح و عشا (پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم) 63
- 153- من از نماز سیر نمی شوم (رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم) 63
- 154- در شبانه روز هزار رکعت نماز امام رضا علیه السلام 63
- 155- عبادت (آیت الله العظمی گلپایگانی) 64
- 156- شب زنده داری (آیت الله العظمی گلپایگانی) 64
- 157- با حبیب چه خواهی کرد؟ (ملا حبیب الله شریف کاشانی) 65
- 158- در سجاده عبادت و بندگی (حضرت آیت الله محمدی لائینی) 65
- 159- وسواس در عبادات ممنوع (مرحوم قاضی) 67
- 160- نماز سیر الی الله (حضرت آیت الله العظمی ایازی) 67
- شرح حال حضرت آیت الله العظمی ایازی (ره) 67
- ستاره ای به خانه کوچک شیخ حیدر قدم نهاد 68

68	نوگل گلستان پدر
69	در محضر استاد
69	شوق هجرت به قم
70	هجرت به نجف اشرف
71	بر قله اجتهاد
71	بازگشت به وطن
72	استاد به دیدار شاگرد می آید
74	غروب آفتاب
78	پی نوشت ها :
86	فهرست مطالب